

پروگرام حمايت از انكشاف مسلكي متداوم (CPDS)
حقوق جزاي اختصاصي بر مبنای كود جزاي ۱۳۹۶

جزوه شماره (۱۹)

جرائم نقض حقوق اطفال

Crimes Related to Violation of Child's rights

اسد ۱۳۹۹

تهيه و ترتيب: سازمان بين المللي انكشاف حقوقو (IDLO)

كابل، افغانستان

وب سايت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

قوانین مورد استفاده:

۱. قانون اساسی افغانستان سال ۱۳۸۲.
۲. کود جزای سال ۱۳۹۶.
۳. قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات، منتشره جریده ۱۲۷۵.
۴. قانون اجراءات جزایی سال ۱۳۹۳.
۵. قانون حمایت از حقوق طفل، منتشره جریده رسمی ۱۳۳۴ سال ۱۳۹۷.
۶. قانون قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، منتشره جریده رسمی ۸۴۶ سال ۱۳۸۴.
۷. قانون سپرستی اطفال منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۳۰ سال ۱۳۹۳.
۸. قانون کار، منتشره جریده رسمی ۹۶۶ سال ۱۳۸۷.
۹. قانون مدنی افغانستان سال ۱۳۵۵.
۱۰. قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال، منتشره جریده رسمی ۱۲۸۰ سال ۱۳۹۶.

فهرست موضوعات

۱	مقدمه:
	جرایم نقض حقوق اطفال
۴	مبحث اول: جرم محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صبحی: (مندرج ماده ۶۰۹ ک.ج.)
۷	مبحث دوم: جرم استفاده از طفل در فعالیت سیاسی: (مندرج ماده ۶۱۰ ک.ج.)
۹	مبحث سوم: جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی: (مندرج ماده ۶۱۱ ک.ج.)
۱۴	مبحث چهارم: جرم لت وکوب طفل: (مندرج ماده ۶۱۲ ک.ج.)
۱۸	مبحث پنجم: جرم استخدام طفل در کارهای فزیکي، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی: (مندرج ماده ۶۱۳ ک.ج.)
۲۱	مبحث ششم: جرم مکلف ساختن طفل به ادای شهادت: (مندرج ماده ۶۱۴ ک.ج.)
۲۵	مبحث هفتم: جرم عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی: (مندرج ماده ۶۱۵ ک.ج.)
۲۹	مبحث هشتم: جرم به خطر مواجه نمودن طفل: (مندرج ماده ۶۱۶ ک.ج.)
۳۴	مبحث نهم: جرم محروم ساختن طفل از تغذیه: (مندرج ماده ۶۱۷ ک.ج.)
۳۶	مبحث دهم: جرم اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور: (مندرج ماده ۶۱۸ کود جزا)
۴۱	نتیجه گیری:
۴۳	مآخذ:

مقدمه

طفل از بدو تولد دارای یک سلسله حقوق است که با در نظر داشت قوانین داخلی و بین المللی مورد حمایت قرار گرفته است، بالاخص حق تعلیم، حق آموزش، حق دسترسی به خدمات صحی و غیره از جمله حقوق اساسی طفل است. با در نظر داشت قانون اساسی افغانستان و کنوانسیون حقوق طفل که از طرف دولت افغانستان مورد پذیرش قرار گرفته است، دولت مکلف است برای رشد جسمی و ذهنی طفل از طریق آموزش و پرورش و فراهم سازی خدمات صحی برنامه های منظم را روی دست گرفته و تطبیق نماید. تا نسل آینده عاری از آسیب های روحی و جسمی به بار آید. اسناد داخلی و بین المللی بر حقوق طفل توجه نموده و به رعایت آن تأکید می کنند که در زیر برخی از این اسناد را ذکر می کنیم:

الف - حق آموزش و پرورش:

قوانین داخلی: قوانین داخلی افغانستان برای گسترش و دسترسی همگانی به آموزش و پرورش و توسعه معارف تأکید نموده و توجه فروان دارد، درین مورد میتوان به عنوان مثال، به قانون اساسی اشاره کرد: در ماده ۴۳ قانون اساسی آمده است: تعلیم حق تمام اتباع است که تا درجه لسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می شود. همچنین مواد ۱۷، ۴۴، ۴۵ و ۴۶ قانون اساسی راجع به مکلفیت دولت به منظور زمینه سازی فرصت ها و امکانات دسترسی شهروندان به تعلیم و آموزش و تحصیلات عالی و آموزش های دینی تأکید دارد.

علاوه بر قانون اساسی افغانستان، قوانین عادی کشور نیز مبانی لازم برای دسترسی عادلانه به تعلیم و ایجاد فرصت های برابر وجود دارد، به عنوان نمونه، ماده ۳ قانون معارف چنین صراحت دارد: اتباع جمهوری اسلامی افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم و تربیه می باشند. قانون حمایت از حقوق اطفال فصل هفتم خود را به حق تعلیم و تربیه برای کودکان اختصاص داده است و در ماده ۴۸ قانون مذکور چنین تصریح شده است: اطفال اعم از پسر و دختر مطابق احکام قانون دارای حق مساوی بهره مندی از حق پرورش، آموزش و تعلیم و تربیه می باشند.

اسناد بین المللی: اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به این بحث توجه نموده و در ماده ۲۶ آن آمده است: "هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود". کنوانسیون حقوق طفل یکی از اسناد مهم بین المللی است که دولت ها را در زمینه تعلیم و آموزش کودکان توصیه می کند. ماده ۲۸ این کنوانسیون چنین صراحت دارد: حکومت ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می شناسند و بویژه برای تحقق آن.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره) نیز بر واجب بودن امر تعلیم و آموزش و تعهداتی که دولت های اسلامی پس از پذیرش این اعلامیه برای تحقق آن بدوش می گیرند تأکید ورزیده است.

ب: حق دسترسی به خدمات صحی:

قوانین داخلی: قانون اساسی افغانستان در مواد ۵۲، ۵۳ و ۵۵ خویش حق دسترسی به خدمات صحی را مورد توجه قرار داده و در ماده ۵۴ چنین تصریح می کند: دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال تدابیر لازم اتخاذ می نماید. قوانین عادی نیز مراقبت های صحی را برای اطفال مورد توجه خاص قرار داده است بطور نمونه فصل چهارم قانون حمایت حقوق طفل، به مراقبت های صحی اختصاص داده شده که شامل حق دسترسی طفل به خدمات لازم صحی، حق تطبیق واکسین و حق داشتن کارت صحی می شود. قانون صحت عامه در ماده ۲۴ و ۲۵ اتخاذ تدابیر صحی طفل و تأمین شرایط صحی برای اطفال را از جمله مکلفیت های وزارت صحت عامه دانسته است و بیان داشته که وزارت صحت عامه جهت حفظ صحت و سلامت، تقویه بنیه جسمی و روانی اطفال، شرایط لازم را در پرورشگاه ها و مکاتب تأمین می نماید.

اسناد بین المللی: اعلامیه جهانی حقوق بشر حق دسترسی به خدمات صحی و داشتن زنده گی سالم را حق هر فرد دانسته است خصوصاً سلامت جسمی و روحی مادر و طفل را مورد توجه خاص قرار داده است. ماده ۲۵ اعلامیه در زمینه چنین تصریح می کند: هر شخص حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. کنوانسیون بین المللی حقوق طفل ۱۹۸۹ نیز در ماده ۲۴ حق دسترسی کودکان به خدمات صحی قبل از ولادت و بعد از ولادت را مورد توجه خاص قرار داده و دولت های عضو را ملزم به شناخت رسمی این حق نموده است تا تضمین های لازم برای بهبودی و درمان بیماری کودکان وجود داشته و هیچ کودکی از این حق محروم نشود. اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز در ماده ۷ محافظت و نگهداری طفل را از بیماری های دوران طفولیت یک حق بشری دانسته است خصوصاً جنین و مادر که بیشتر در معرض خطر بیماری قرار دارند را مورد توجه قرار داده و تذکر یافته است که باید نسبت به آنها مراقبت های ویژه مبذول شود.

جرایم نقض حقوق اطفال

اهداف:

- در ختم این برنامه آموزشی اشتراک کننده گان قادر به اجرای موارد زیر خواهند شد:
- ☞ کاربرد صحیح اصطلاحات مربوط به جرایم نقض حقوق اطفال.
 - ☞ تشخیص عناصر جرایم نقض حقوق اطفال و اعطای وصف جرمی صحیح در قضایای مورد رسیدگی.
 - ☞ تأمین حقوق اطفال در جامعه،

عناوین:

- محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحیحی.
- استفاده از طفل در فعالیت سیاسی.
- انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی.
- لت و کوب طفل.
- استخدام طفل در کارهای فزیک، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی.
- مکلف ساختن طفل به ادای شهادت.
- عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی.
- به خطر مواجه نمودن طفل.
- محروم ساختن طفل از تغذیه.
- اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور.

جرایم نقض حقوق اطفال

کود جزای افغانستان نقض حقوق اطفال را در مواد ۶۰۹ تا ۶۱۸ جرم انگاری نموده و برای مرتکبین آن جزا پیش‌بینی نموده است. در این بخش از تحقیق حاضر، جرایم نقض حقوق اطفال مندرج کود جزا، هر مورد جرمی را بطور جداگانه بحث و تحلیل خواهیم کرد.

مبحث اول: جرم محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی:

ماده ۶۰۹ کود جزا در رابطه به محروم ساختن طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی، چنین تصریح می‌کند:

شخصی که مرتکب یکی از اعمال آتی گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد:

۱- محروم ساختن طفل از حق تعلیم، آموزش فنی مسلکی.

۲- محروم ساختن طفل از دسترسی به خدمات صحی.

توضیح این جرم نیاز به شرح موارد زیر دارد:

گفتار اول: عناصر تشکیل دهنده جرم محرومیت طفل از حقوق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی:

عنصر قانونی این جرم را ماده ۶۰۹ کود جزا تشکیل می‌دهد، عنصر مادی و عنصر معنوی آن زیاده شرح دارد.

مطلب اول: عنصر مادی:

حسب ماده ۳۳ کود جزا "عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است، به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد.

قاعدتاً عنصر مادی جرم شامل فعل، نتیجه و رابطه سببیت بین فعل و نتیجه می‌باشد. گاهی قانون محض وقوع فعل را جرم می‌شمارد که درین صورت عنصر مادی فقط عبارت از افعال پیش‌بینی شده در قانون می‌باشد. اینکه کدام رفتار فعل است؟ و آیا تحقق نتیجه لازم است یا خیر؟ و آیا عناصر اختصاصی در جرم وجود دارد یا نه؟ تمام این مسایل از متن مواد قانون قابل استنباط می‌باشد.

نظر به تحلیل فوق، اجزای عنصر مادی این جرم عبارت اند از شخصیت مرتکب، رفتار جرمی، موضوع جرم و نتیجه جرمی.

الف) شخصیت مرتکب: قانون گذار در ماده ۶۰۹ کود جزا، شخصیت مرتکب را محدود به اشخاص معینی نکرده است بلکه بصورت عام گذاشته و اصطلاح شخصی را بطور عام بکار برده است که شامل هر شخص می شود، از قبیل والدین، اقارب و غیر اقارب، یعنی هر شخص که طفل را از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی محروم نماید، عمل او جرم بوده و قابل مجازات است.

ب) رفتار جرمی: رفتار های مجرمانه در این جرم به گونه های مختلف پیش بینی شده است که عبارت اند از:

۱. محروم ساختن طفل از حق تعلیم، آموزش فنی مسلکی.

۲. محروم ساختن طفل از دسترسی به خدمات صحی.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم چیزی است که جرم روی آن واقع می شود. موضوع جرم مندرج ماده ۶۰۹ کود جزا عبارت از طفل است. یعنی طفل مورد محرومیت از حق تعلیم، آموزش یا دسترسی به خدمات قرار می گیرد.

د) وسیله ارتکاب جرم: جرم محرومیت از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی به هر وسیله ای ارتکاب یافته می تواند. برای مثال: سوزان مکتب، سم پاشی و تیزاب پاشی در مکاتب، عدم تهیه کتاب و لباس برای شاگرد مکتب که بدون آن به مکتب نمی رود، مشغول کردن طفل در دکان، یا هر محل دیگر که به سبب آن نتواند به مکتب برود و امثال آنها همه وسایل محروم ساختن طفل از حق تعلیم است. همچنان سوزاندن مراکز صحی، تهدید داکتران از رفتن به مراکز صحی، عدم پرداخت حقوق داکترین که باعث ترک وظیفه در مرکز صحی شود، و امثال آنها همه وسایل محروم کردن طفل از دسترسی به خدمات صحی است.

ه) نتیجه جرمی: همانطوری که هر جرم از لحاظ نتایجی وعدم آن به دو بخش تقسیم می گردد، جرم مطلق و جرم مقید، جرم مندرج ماده ۶۰۹ کود جزا از جرایم مقید است که تحقق نتیجه شرط تکمیل جرم می باشد. برای مثال: شخصی بخاطر محروم کردن اطفال از حق تعلیم، در مخزن آب مکتب، سم پاشید اما قبل از اینکه خبر به سمع شاگران برسد، اداره مکتب مخزن را پاک کاری کرد و شاگردان یک روز هم از آمدن به مکتب محروم نشدند. شخصی که سم پاشی کرده است، مرتکب شروع به جرم محروم کردن اطفال از حق تعلیم شده است. مگر اینکه سم پاشی در کود جزا، جرم مستقل و کامل پنداشته شده باشد.

و) رابطه سببیت: میان عمل مرتکب و تحقق نتیجه، باید رابطه متعارف موجود باشد؛ یعنی محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات در اثر عمل مرتکب صورت گرفته باشد.

مطلب دوم: عنصر معنوی

جرم مندرج ماده ۶۰۹ کود جزا از جرایم عمدی می‌باشد. عنصر معنوی این جرم عبارت است از قصد مجرمانه مرتکب و علم وی بر این که عمل وی طفل را از حق تعلیم، آموزش فنی و مسلکی و دسترسی به خدمات صحی، محروم می‌سازد. علاوه بر داشتن علم، داشتن اراده نیز شرط تحقق عنصر معنوی است، یعنی مرتکب این رفتار جرمی را به اراده آزاد خود انجام داده باشد نه تحت کدام اکراه و اجبار.

مطلب سوم: جزای جرم محرومیت طفل از حقوق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی:

جزای جرم محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی شامل جزای اصلی و جزای تکمیلی می‌باشد که در زیر بیان می‌شود.

الف: جزای اصلی: در صورت تحقق محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی، مرتکب مطابق ماده ۶۰۹ کود جزا به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد. در ماده متذکره قانون گذار دو نوع جزا از جزاهای اصلی را تعیین نموده است که عبارت حبس و جزای نقدی می‌باشد. قاضی در انتخاب آن‌ها مختار گذاشته شده است تا با در نظر داشت وضعیت متهم و ارتکاب عمل جرمی و تناسب جرم و جزا، یکی ازین دو جزا را انتخاب نماید.

ب - جزای تکمیلی: مطابق ماده ۱۷۸ کود جزا، جزای تکمیلی مجازاتی است که علاوه بر جزای اصلی در حکم محکمه تصریح گردیده باشد. اما ازینکه مجازات اصلی این ماده کمتر از حبس متوسط است محکمه می‌تواند از حقوق و امتیازات اجزای ۱، ۲ و ۳ ماده ۱۷۳ محروم نماید.

مبحث دوم: جرم استفاده از طفل در فعالیت سیاسی:

قانون‌گذار بر اساس ماده ۶۱۰ کود جزا، استفاده ای ابزاری از اطفال در فعالیت های سیاسی را جرم پنداشته است، زیرا اطفال هنوز به رشد فکری خود نرسیده وب بیشتر می‌تواند مورد سوء استفاده ابزاری دیگران قرار گیرند. فعالیت سیاسی اکثراً به خاطر به دست آوردن یا حفظ قدرت صورت می‌گیرد، که نیازمند یک سلسله فعالیت های خستگی ناپذیر وقبول مشقت ها می باشد. در فعالیت های سیاسی پختگی فکری و درایت کافی ضروری پنداشته می‌شود، که اطفال این ویژگی ها را دارا نبوده و استفاده آنها در فعالیت ساسی نه تنها که مانع جریان تعلیم و تربیه سالم ایشان می‌شود، بلکه امکان دارد که به خاطر اهداف سیاسی به جهت منفی سوق داده شوند. ازین جهت قانون‌گذار این عمل را جرم انگاری نموده است.

ماده ۶۱۰ کود جزا، در رابطه به استفاده از طفل در فعالیت های سیاسی چنین تصریح می‌کند: (۱) شخصی که از طفل در فعالیت های سیاسی من حیث ابزار و وسیله استفاده نماید، به حد اکثر حبس قصیر، محکوم می‌گردد. (۲) اشتراک طفل بمنظور احقاق حق خود شان در تظاهرات و اعتصابات از این امر مستثنی است.

برای توضیح جرم مندرج ماده ۶۱۰ کود جزا نیاز به شرح موارد زیر است:

گفتار اول: شرح مفردات:

فعالیت سیاسی: عبارت است از عضویت در احزاب سیاسی، مظاهره، تحصن، گردهم‌آیی و امثال آن به مقاصد سیاسی می‌باشد. بناء اگر شخصی از طفلی من حیث ابزار و وسیله در مظاهره یا گردهم‌آیی به مقصد سیاسی استفاده می نماید، شامل حکم این ماده می‌گردد.^۱

تظاهرات: اجتماع و راه پیمایی اشخاص به صورت مسالمت آمیز، منظم وعلنی در مسیر معین است به منظور تبارز احساسات یا مطرح ساختن خواست های مشخص یا معین شان.^۲

اعتصابات: امتناع شخص یا اشخاص از اجرای کار ویا امتناع از خوردن غذا یا سایر موارد مشابه جهت برآورده شدن هدف معین که به آن توسل می‌ورزند.^۳

^۱ شرح کود جزا، نشر بنیاد آسیا سال ۱۳۹۸، ص ۳۵۰ ج ۳.

^۲ قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات منتشره جریده ۱۲۷۵

^۳ همان.

قانون‌گذار در فقره ۱ ماده ۶۱۰ استفاده از طفل را من حیث ابزار و وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی دیگران ممنوع قرار داده و برای مرتکب آن جزا تعیین نموده است، اما در فقره ۲ ماده متذکره اشتراک اطفال را در مظاهرات و اعتصابات که بمنظور احقاق حق و داد خواهی از حقوق اطفال صورت گرفته باشد، از این حالت مستثنی نموده است زیرا اشتراک اطفال در چنین اجتماعات باعث بهبود وضعیت شان گردیده و تمرین خوبی برای دادخواهی و به دست آوردن حقوق قانونی شان می‌شود.^۱

گفتار دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم استفاده از طفل در فعالیت سیاسی:

عنصر قانونی جرم استفاده طفل در فعالیت سیاسی را ماده ۶۱۰ کود جزا تشکیل می‌دهد. عناصر مادی و معنوی این جرم ذیلاً بیان می‌گردد.

مطلب اول: عنصر مادی:

اجزای عنصر مادی این جرم عبارت اند از شخصیت مرتکب، رفتار جرمی، موضوع جرم و نتیجه جرم.

الف) رفتار جرمی: رفتار جرمی در این جرم عبارت است از استفاده از طفل در فعالیت های سیاسی.

ب) شخصیت مرتکب: قانون‌گذار در ماده ۶۱۰ کود جزا، شخصیت مرتکب را محدود ننموده و اصطلاح شخص بطور عام ذکر شده است که شامل اشخاص سیاسی، اشخاصی دولتی و غیر دولتی و هر شخص دیگر تمام می‌شود.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم مندرج ماده ۶۱۰ عبارت از طفل است که محل جرم قرار گرفته و برایش اصطلاح مجنی علیه اطلاق می‌شود.

د) نتیجه جرمی: جرم مندرج ماده ۶۱۰ کود جزا، از جرایم مقید به نتیجه بوده و نتیجه آن سوء استفاده از طفل در فعالیت سیاسی است.

ه) رابطه سببیت: رابطه سببیت یکی از اجزای عنصر مادی جرم بوده و یکی از مباحثی که تقریباً در اکثر وقایع حقوقی مطرح می‌شود و نقش سرنوشت سازی را نیز ایفا می‌کند. بدین معنی که میان عمل مرتکب و تحقق نتیجه، رابطه متعارف موجود باشد؛ یعنی استفاده از طفل در فعالیت های سیاسی در اثر عمل مرتکب صورت گرفته باشد نه در اثر کدام عامل دیگری.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

عنصر معنوی در این جرم عبارت از علم و قصد می‌باشد. به این توضیح که مرتکب باید به طفل بودن شخص علم داشته و آگاهانه از وی در فعالیت سیاسی سوء استفاده نماید. بناءً اگر در جریان یک فعالیت سیاسی مانند مظاهره، اعتصاب و یا تحصن، طفل و یا اطفالی بدون آگاهی تنظیم کننده‌های آن، در بین مظاهره کننده‌ها و یا تحصن کننده‌ها داخل شده باشند، این حالت شامل حکم این ماده نمی‌گردد.^۱

همچنین علاوه بر قصد عام، قصد خاص که عبارت از سوء استفاده از اطفال در فعالیت‌های سیاسی می‌باشد، جزء عنصر معنوی این جرم است زیرا استفاده از اطفال در فعالیت‌های سیاسی بخاطر بهبود وضعیت اجتماعی و آموزشی شان نه تنها جرم نبوده بلکه یک عمل مشروع بخاطر احقاق حقوق شان می‌باشد.

پرسش: اگر یک شخص بخاطر بهبود وضعیت کودکانها در پیشگاه وزارت کار و امور اجتماعی مظاهره نموده و از اطفال نیز درین مظاهره استفاده نماید آیا مرتکب جرم مندرج ماده ۶۱۰ کود جزا گریده است یا خیر، و چرا؟

مطلب سوم: جزای جرم استفاده از طفل در فعالیت سیاسی:

در صورت تحقق استفاده ابزاری از طفل در فعالیت‌های سیاسی طبق ماده ۶۱۰ کود جزا، مرتکب به حد اکثر حبس قصیر، مجازات می‌گردد.

مبحث سوم: جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی:

اطفال بخاطر عدم رشد جسمی و عدم تکامل فکری شان نسبت به اشخاص بالغ بیشتر ضرورت به حمایت والدین، ولی، وصی و یا سرپرست دارند، زیرا در مرحله‌ای قرار دارند که خود شان نمی‌توانند مستقلاً در مسایل پیش‌برد زندگی تصمیم گرفته و راه کارهای مشخص برای بهبود وضعیت آینده خود داشته باشند. از همین لحاظ قوانین در عرصه داخلی و بین‌المللی در مورد حقوق طفل، همراهی طفل با والدین را یک حق مسلم طفل دانسته و هیچ کس اجازه ندارد بدون موافقه والدین، طفل را از آنها جدا نماید. چنانچه کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق طفل چنین بیان می‌دارد: حکومت‌های امضا کننده این پیمان‌نامه اطمینان می‌دهند که یک کودک برخلاف میل والدین اش از آنها جدا نمی‌شود مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلاً وقتی کودک مورد سوء استفاده قرار گرفته و جدا از هم زندگی کنند و تکلیف اقامت کودک باید روشن شود^۲. و در عرصه

^۱ شرح کود، نشر بنیاد آسیا سال ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۵۲

^۲ ماده ۹ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق طفل..

داخلی، فصل دهم قانون حمایت از حقوق طفل تحت عنوان جدایی طفل از والدین اختصاص داده شده است. در این فصل، حضور طفل با والدین بطور همیشه یکی از حقوق طفل دانسته شده، و جدای طفل از والدین بدون رضایت شان ممنوع قرار گرفته است. قانون مذکور درین زمینه چنین صراحت دارد: (۱) طفل حق دارد همیشه با والدین خود باشد. (۲) هیچ شخص نمی‌تواند طفل را بدون موافقه والدین وی از آنها جدا نماید، مگر اینکه در برابر طفل غفلت نموده و یا بهره‌کشی از وی مطرح باشد یا به اثر جدایی والدین از یکدیگر، طفل متضرر شود، در تمام احوال شرط اصلی رعایت مصالح علیای طفل میباشد^۱. و در ماده دیگر بیان می‌دارد: هیچ شخص بشمول والدین که از هم جدا شده باشند، نمی‌تواند طفل را به طور غیر قانونی به خارج از کشور انتقال و یا نگهداری نماید^۲. مراقبت از اطفال در قدم اول متوجه والدین بوده و در صورت نبود ایشان، مسئولیت به جانشین قانونی شان (ولی، وصی، سرپرست قانونی) سپرده شده تا از یکطرف مراقبت و نگهداری لازم از ایشان صورت گیرد و از جانب دیگر مانع تصرفات بیجا در اموال و ملکیت ایشان گردد، تا خود شان به سن بلوغ برسند. این اشخاص نظر به حکم قانون مسئولیت حفظ و نگهداری خود طفل و اموال و منافع وی را دارند. بناء اگر شخصی، طفلی را بدون اجازه اشخاص مندرج ماده ۶۱۱ کود جزا، نگهداری و یا خارج از کشور بفرستد، مرتکب جرم گردیده و قابل مجازات می‌باشد.

ماده ۶۱۱ کود جزا درین زمینه چنین صراحت دارد:

(۱) شخصی که طفل را بدون اجازه والدین، ولی، وصی یا سرپرست نگهداری یا وی را به خارج از کشور انتقال دهد، به حبس قصیر بیش از نه ماه یا به جزای نقدی از چهل و پنج هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد. مشروط بر این که هدف مرتکب بهره برداری نباشد.

(۲) در حالات مندرج فقره (۱) این ماده در صورتی که والدین طفل از هم جدا شده باشند، در صورت عدم رضایت یکی از آنها، اخذ اجازه محکمه حتمی است.

برای توضیح جرم مندرج ماده ۶۱۱ کود جزا، نخست مفاهیم کلمات و اصطلاحات مذکور در ماده فوق الذکر را تشریح (گفتار اول)، سپس عناصر تشکیل دهنده جرم را تشخیص (گفتار دوم) و اخیراً جزای این جرم را بیان می‌کنیم (گفتار سوم).

^۱ ماده ۶۴ قانون حمایت از حقوق طفل.

^۲ همان، ماده ۷۰

گفتار اول: مفهوم اصطلاحات مندرج ماده ۴۱۱ کود جزا:

ولی: در لغت به معنی آنکه اختیار کسی در دست اوست، دوست و خویشاوند نزدیک مقتول^۱. و در اصطلاح حقوقی به کسی اطلاق می‌گردد که بر طفل صغیر یا غیر رشید ولایت داشته باشد^۲.

وصی: در لغت بمعنی جانشین^۳ و در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که برای حفظ و تصرف مال دیگری و حفظ و صیانت فرزندان او پس از مرگ وی معین می‌گردد^۴.

ممثل قانونی: عبارت است از والدین، اولیاء، اوصیاء، اقارب، قیم، وکیل یا سرپرست قانونی طفل^۵.

سرپرست: اصطلاح سرپرست بالای شخصی اطلاق می‌گردد که بصورت داوطلبانه تأمین و واریسی امور را در مورد یک یا چند طفل یتیم و بی سرپرست مطابق احکام قانون از طریق محکمه به عهده می‌گیرد^۶.

بهره کشی از طفل: استثمار طفل به مقصد تجارت، کار، بهره کشی جنسی و رفتار نادرست اعم از فزیک و روانی که منجر به ایجاد صدمه به صحت جسمی، ذهنی، روانی یا بقای حیات یا کرامت انسانی طفل گردد^۷.

گفتار دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی:

ماده ۶۱۱ کود جزا، عنصر قانونی جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی را تشکیل میدهد. عنصر مادی و عنصر معنوی این جرم، در مطالب ذیل بیان می‌شود:

مطلب اول: عنصر مادی:

اجزای عنصر مادی جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی، عبارت از رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم، نتیجه جرمی و رابطه سببیت می‌باشد.

الف) رفتار جرمی: از عنوان این جرم مشخص است که رفتار جرمی عبارت است از انتقال به خارج از کشور یا نگهداری طفل بدون اجازه والدین، ولی، وصی و یا سرپرست قانونی وی می‌باشد، مثلاً اگر شخصی بدون اجازه

^۱ فرهنگ فارسی عمید.

^۲ قاموس اصطلاحات حقوقی ص ۲۶۶.

^۳ - فرهنگ فارسی عمید.

^۴ وسیط در ترمینولوژی حقوق، ص ۷۴۷.

^۵ ماده ۴ قانون قانون رسیدگی به تخلفات اطفال.

^۶ قانون سرپرستی اطفال ماده ۳، شماره جریده ۱۱۳۰.

^۷ ماده ۳، فقره ۱۵ قانون حمایت از حقوق طفل.

والدین و یا دیگر اشخاص مندرج ماده ۶۱۱ کود جزا، طفلی را به بهانه کار به کشور دیگری بفرستد، این حالت شامل حکم ماده مذکور می‌گردد. این رفتار جرمی مشروط بر این است که هدف مرتکب بهرکشی طفل نباشد، زیرا در صورتی که هدف مرتکب از انتقال یا نگهداری طفل، بهرکشی طفل باشد، طبق احکام فصل سوم باب ششم کتاب دوم کود جزا تحت عنوان جرایم قاچاق انسان قابل مجازات خواهد بود.

قانون‌گذار ارتکاب چنین عمل را در صورتی که جدایی بین والدین صورت گرفته باشد و یکی از آنها به انتقال و یا نگهداری آن نزد دیگر شان رضایت نداشته باشند در آنصورت محکمه را ذیصلاح دانسته تا در این قضیه مداخله نموده و مشکل به وجود آمده را حل نماید.

ب) شخصیت مرتکب: شخصیت مرتکب در جرم مندرج ماده ۶۱۱ کود جزا مشخص نگردیده، بلکه بصورت عام ذکر شده است. بناء در صورتی که رفتار جرمی ماده متذکره از جانب هر کسی ارتکاب یافته باشد، عمل او جرم پنداشته شده و قابل مجازات می‌باشد.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم انتقال و نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی، طفل است. مثلاً در صورتی که شخصی طفلی را بدون اجازه و موافقت والدین، ولی، وصی و یا سپرست قانونی وی، به کشور دیگر انتقال دهد و یا به نزد خود نگهداری نماید، در آنصورت عمل او مسئولیت جرمی را به بار می‌آورد، اما اگر این شخص، سن ۱۸ سالگی را تکمیل نموده باشد، شامل حکم ماده متذکره نمی‌گردد، ولی ممکن است عمل مرتکب، وصف جرمی دیگری را بخود بگیرد.

پرسش: انتقال شخص تحت قیمومیت، بدون اجازه قیم او به خارج از کشور، چه حکم دارد؟

د) نتیجه جرمی: جرم مندرج ماده ۶۱۱ از جرایم مقید به نتیجه بوده که بدون حصول نتیجه، جرم بصورت کامل تحقق نمی‌یابد بلکه می‌تواند شروع به جرم باشد. در این ماده نتیجه جرمی، نگهداری یا انتقال طفل به خارج کشور بدون اجازه ممثل قانونی وی می‌باشد. هرگاه شخصی طفلی را بدون اجازه ممثل قانونی وی به قصد انتقال به خارج از کشور به خط مرزی برساند اما قبل از خروج از کشور توسط پولیس مرزی گرفتار شود در اینصورت نتیجه متوقعه هنوز تکمیل نگردیده است و مرتکب به جرم کامل مجازات نمی‌شود بلکه تحت عنوان شروع به جرم انتقال طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی به خارج از کشور، قابل مجازات می‌باشد.

ه) رابطه سببیت: گفتیم که جرم مندرج ماده ۶۱۱ از جمله جرایم مقید به نتیجه است، بناء وجود رابطه سببیت بین عمل و نتیجه، مطرح است، به این معنی که نتیجه انتقال و نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی باید در اثر

عمل شخص مرتکب صورت گرفته باشد، در غیر آن، نمی توان به الزامیت علیه متهم حکم کرد. زیرا همان طوریکه رفتار جرمی و نتیجه جرمی در عنصر مادی جرم، مهم است به همان اندازه رابطه سببیت نیز اهمیت دارد.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

جرم انتقال و یا نگهداری طفل بدون موافقت ممثل قانونی وی، از جرایم عمدی است، وجود علم و اراده نزد مرتکب شرط است، وجود علم به این معنی است که مرتکب، رفتار جرمی خود را آگاهانه انجام داده باشد، یعنی باید بداند که طفل را خارج از کشور انتقال یا در نزد خود نگهداری می نماید و به اینکار، والدین، ولی، وصی یا سرپرست قانونی او رضایت ندارند. برای مثال: هرگاه شخصی اطفال مکتب را به اجازه والدین شان جهت سیر علمی به خارج از کشور انتقال دهد و بعد از انتقال معلوم گردد که یکی از اطفال اجازه والدین اش گرفته نشده است، درین حالت شخص متذکره مسئولیت جرمی کسب نمی کند زیرا این کار را عمدا انجام نداده است بلکه این عمل بدون علم و آگاهی انتقال دهنده، صورت گرفته است.

گفتار سوم: جزای جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی:

این جرم در کنار جزای اصلی جزای تکمیلی نیز وجود دارد که آنرا بیان می کنیم.

مطلب اول: جزای اصلی:

رفتارهای جرمی مندرج ماده ۶۱۱ کود جزا به دو بخش تقسیم می گردد: ۱- انتقال طفل خارج از کشور بدون اجازه ممثل قانون وی و ۲- نگهداری طفل بدون اجازه و موافقت ممثل قانونی وی. در هر صورت قانون گذار دو نوع جزا را از جزاهای اصلی تعیین نموده است؛ حبس قصیر که بیش از نه ماه باشد و جزای نقدی از چهل و پنج هزار الی شصت هزار افغانی، تعیین حبس و جزای نقدی اختیاری بوده و قاضی نمی تواند در عین حال به هر دو جزا حکم نماید بلکه می تواند نظر به وضعیت متهم و حالات جرمی، یکی از دو جزا را انتخاب نماید.

اما در صورتی که هدف مرتکب از انتقال و نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی، بهره کشی باشد در اینصورت جزای های جرم قاچاق انسان بالایش قابل اجرا است.

مطلب دوم: جزای تکمیلی:

علاوه بر جزای اصلی جزاهای تکمیلی پیش بینی شده در قانون نیز بالای مرتکبین این جرم تطبیق می گردد، زیرا نظر به صراحت ماده ۱۷۸ و با در نظر داشت ماده ۱۷۹ کود جزا، جزای تکمیلی محرومیت از اجزای ۱، ۲ و ۳ ماده ۱۷۷ کود جزا، مصادره اموال و نشر حکم از جمله مواردی است که قاضی در حکم کردن به آنها اختیار دارد. قابل بحث

است که ماده ۱۷۹ کود جزا، بیان می‌دارد که محکمه می‌تواند در صورت حکم به حبس طویل تا ده سال و یا حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی جرم، محکوم علیه را از حقوق و امتیازات مندرج اجزای ۳، ۴ و ۵ ماده ۱۷۲ این قانون نیز محروم کند. اما از حقوق و امتیازات ماده ۱۷۳، مصادره و نشر حکم چیزی نگفته است و مقدار معینی از جزای اصلی را برای تحقق آنها شرط نداشت است پس به این معنی است که مطلق به حال خود باقی است و بدون در نظر داشت مقدار جزای اصلی جزای های متذکره قابل تطبیق می‌باشد.

مبحث چهارم: جرم لت و کوب طفل:

دوران طفولیت مرحله رشد و نمو جسمی و روانی طفل است و ضرورت بیشتر به حمایت های لازم در جهت نگهداری و حفظ آنها محسوس می‌شود. به هر اندازه که با اطفال رفتار مناسب صورت گیرد به همان اندازه نتایج مثبت در سن جوانی و کهولت او در قبال دارد، اما بر عکس رفتار خشونت آمیز چون لت کوب، تعذیب و بد رفتاری با آنها، اگر چه منجر به معلولیت و جراحت نشود، بالای شخصیت اطفال تأثیر سوء داشته و آنها را در آینده شخص خشن به بار می‌آورد، و تأثیرات منفی بالای جامعه خواهد گذاشت.

قانون حمایت از حقوق طفل، آزار و اذیت طفل را ممنوع قرار داده و بیان می‌دارد که هیچ شخص نمی‌تواند سبب آزار و اذیت روحی، جسمی یا روانی طفل گردد^۱.

مطابق ماده ۶۱۲ کود جزا، لت کوب طفل، تعذی و بد رفتاری با او جرم بوده و مرتکب آن مجازات می‌شود. ماده مذکور در زمینه چنین تصریح می‌کند:

- (۱) شخصی که طفل را مورد لت و کوب، تعذیب یا بد رفتاری قرار دهد، اما منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.
- (۲) شخصی که جرم مندرج فقره (۱) این ماده را به صورت مکرر مرتکب گردد، به حداکثر حبس قصیر، محکوم می‌گردد.
- (۳) هرگاه مرتکب مندرج فقره (۱) این ماده سرپرست قانونی طفل باشد، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد.

برای توضیح این جرم، نیاز به شرح موارد زیر است:

^۱ ماده ۲۳ قانون حمایت از طفل .

گفتار اول: توضیح مفاهیم:

الف: مفهوم لت وکوب: معنی لت و کوب بصورت مشخص در قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال و در قانون حمایت حقوق طفل بیان نگردیده است. و کود جزای افغانستان تنها ضرب و جرح را چنین تعریف کرده است:

- ضرب: وارد کردن صدمه به بدن است که سبب تورم یا کبودی یا پیچ خوردن مفاصل بدون شکستگی آنها یا خون مردگی یا خون ریزی داخلی در بدن شود و با قطع نسج و جاری شدن خون از بدن همراه نباشد.^۱
- جرح: وارد کردن زخم به بدن است که سبب خراشیدگی یا بریدگی یا پارگی یا قطع عضو یا سوختگی یا شکستگی آن شود و توأم با قطع نسج و خونریزی بیرونی باشد.^۲

ب: تفاوت لت وکوب با آزار و اذیت طفل: در وصف جرمی لت و کوب طفل، تعذیب و یا بدرفتاری جسمی مطرح است، اما در وصف جرمی آزار و اذیت طفل، بد رفتاری و توهین و تحقیر جنسی مطرح است. چنانچه در قانون تذکر یافته است که: آزار و اذیت: عبارت است از تماس بدنی، خواست نامشروع، آزار کلامی، غیرکلامی و یا هر عملی که موجب صدمه روانی، جسمانی و توهین به کرامت انسانی زن و طفل گردد.^۳

گفتار دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم لت وکوب طفل:

جرم لت و کوب، تعذیب و بد رفتاری طفل، دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می باشد. عنصر قانونی این جرم را ماده ۶۱۲ کود جزا تشکیل داده است، عنصر مادی و عنصر معنوی آن نیاز به شرح زیر دارد:

مطلب اول: عنصر قانونی

اجزای عنصر مادی جرم لت و کوب طفل که نیاز به تشریح دارند شامل رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم، نتیجه جرم و رابطه سببیت می باشد:

الف) رفتار جرمی: رفتار جرمی لت و کوب طفل، اشکال مختلف دارد:

۱. لت و کوب.
۲. تعذیب.
۳. بد رفتاری.

^۱ جزء ۱ ماده ۵۷۵ کود جزا.

^۲ همان، جز ۲ ماده ۵۷۵.

^۳ جزء ۱ ماده ۳ قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال.

لت و کوب در عرف جامعه به طور عام به معنی ضرب یا زدن می‌باشد، خواه خفیف باشد یا شدید. اگر لت و کوب شدید باشد و منجر به جرح و معلولیت گردد، این حالت تابع حکم فصل ضرب و جرح با رعایت اجزای ۲ و ۳ ماده ۵۷۸ کود جزا می‌باشد، و اگر لت و کوب خفیف باشد و وصف ضرب و جرح را نگیرد، تابع حکم ماده ۶۱۲ کود جزا است. همچنان تعذیب و بد رفتاری با طفل نیز تابع حکم ماده ۶۱۲ کود جزا است.

فعالیت شماره (۱)

کار جمعی:

اشتراک کننده ها مواد ۶۱۲، ۵۷۵ و ۵۸۳ کود جزا، و مواد ۲۳ و ۳۰ قانون منع خشونت علیه زن را باهم مقایسه کنند.

ب) موضوع جرم: موضوع جرم مندرج ماده ۶۱۲ کود جزا، طفل است. اگر شخص بالغ مورد لت و کود، تعذیب یا بد رفتاری قرار گیرد، وصف جرمی مرتکب تغییر نموده و تابع حکم ماده ۶۱۲ کود جزا نمی‌گردد.

ج) شخصیت مرتکب: شخصیت مرتکب در فقره (۱) و (۲) ماده ۶۱۲ کود جزا، بشکل عام ذکر شده و کدام وصف خاصی برای مرتکب این جرم داده نشده است. بنابراین، هر شخصی که طفل را لت و کوب، تعذیب یا با او بد رفتاری کند، تابع حکم ماده ۶۱۲ کود جزا می‌باشد. اما وصف خاصی که در فقره (۳) این ماده به شخصیت مرتکب داده شده است (سرپرست قانونی) این تغییر شخصیت موجب تشدید مجازات می‌شود، یعنی جزای ارتکاب این جرم توسط سرپرست قانونی نسبت به سایر اشخاص، شدیدتر می‌باشد.

د) نتیجه جرمی: جرم لت و کوب، تعذیب و بد رفتاری از جرایم مقید بوده و تحقق نتیجه شرط تکمیل این جرم است. بدین مفهوم که طفل عملاً مورد لت و کوب، تعذیب و بد رفتاری قرار گرفته باشد.

ه) رابطه سبب: همان طوریکه جرم مندرج ماده ۶۱۲ از جرایم نتیجوی است، بناء وجود رابطه سببیت بین رفتار جرمی و نتیجه جرمی ضروری است. باید واضح شود که طفل در نتیجه عمل مرتکب، مورد لت و کوب، تعذیب یا بد رفتاری قرار گرفته باشد. و اگر لت و کوب طفل ناشی از عامل دیگری که شخص مظنون به آن دست ندارد باشد، در آنصورت مظنون، متهم قرار نمی‌گیرد.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

جرم لت وکوب، تعذیب و بد رفتاری طفل از جرایم عمدی است. لهذا عنصر معنوی آن شامل علم و اراده می شود. بدین معنی که شخص مرتکب در حین ارتکاب عمل جرمی به عمل خود و فردی را که مورد لت وکوب قرار می دهد آگاهی داشته و عمل جرمی را قصداً انجام داده باشد.

گفتار سوم: جزای جرم لت و کوب طفل:**مطلب اول: جزای اصلی:**

مطابق فقره‌های (۱ تا ۳) ماده ۶۱۲ کود جزا، برای جرم لت و کوب، تعذیب و بد رفتاری با طفل جزای متفاوت پیش‌بینی شده است که شرح آنها قرار ذیل است:

الف: جزای حالت عادی: فقره (۱) این ماده ارتکاب جرم لت و کوب، تعذیب و بد رفتاری با طفل را مطلق ذکره نموده و در صورتی که برای بار اول واقع شود، جزای آن حبس قصیر است.

ب: جزای حالات مشدده: مطابق فقره (۲) ماده ۶۱۲، تکرار رفتار جرمی مندرج فقره (۱) ماده مذکور موجب تشدید جزا (حد اکثر حبس قصیر) می گردد.

در فقره (۳) ماده مذکور ارتکاب فعل توسط سرپرست قانونی نیز یکی از حالات مشدده می باشد و مرتکب به جزای حبس متوسط تا دو سال محکوم می گردد. راجع به علت تشدید جزا گفته شده که چون سرپرست به رضا و رغبت خود سرپرستی طفل را بر عهده گرفته و طفل شب و روز نزد او می باشد. بناء طفل باید با رفاه و آرامش در یک محیط سالم و مصون زندگی کند. اگر سرپرست، این طفل را مورد لت و کوب، تعذیب یا بد رفتاری قرار دهد، اعتماد محکمه و قانون را خدشه دار ساخته و در حق طفلی که نیاز به محبت دارد، جفا کرده است. ازین جهت قانون گذار ارتکاب این جرم توسط سرپرست را تشدید نموده است.

در تمام حالات فوق الذکر شرط است که لت و کوب، تعذیب و بد رفتاری با طفل موجب جراحت یا معلولیت طفل نگردیده باشد.

مطلب دوم: جزای تکمیلی

محکوم علیه علاوه بر جزای اصلی که در ماده ۶۱۲ تذکر یافته است، در صورت لزوم دید قاضی، به جزای تکمیلی مواد ۱۷۸ و ۱۷۹ کود جزا نیز محکوم شده می‌تواند. جزای تکمیلی از صلاحیت های اختیاری قاضی است، که می‌تواند به یک یا چند جزا از جزای تکمیلی نیز حکم نماید.

مبحث پنجم: جرم استخدام طفل در کارهای فزیک، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی:

اطفال هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی قشر آسیب پذیر جامعه بوده و اکثراً وابسته به حمایت والدین، بزرگان فامیل یا دولت بوده و نیازمند مراقبت های لازم و ضروری می‌باشند. اطفال نظر به ضعف جسمی که دارند، باید از کارهای که باعث ضرر جسمی و روانی ایشان می‌گردد، دور نگهداشته شوند، و در مقابل توجه بیشتر به آموزش و پرورش ایشان صورت گیرد. بر این اساس در عرصه داخلی و بین المللی قوانین مختلف وجود دارند که اطفال را مورد حمایت های لازم قرار داده و از کار و فعالیت هایی که باعث ضعف جسمی و روحی آنها می‌شود، ممانعت به عمل آورده اند، چنانچه قانون حمایت از حقوق طفل در زمینه بیان می‌دارد: استخدام نوجوانان به کارهای فزیک، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی، کار شبانه، مسافرت به منظور انجام کار رسمی مطابق احکام قانون، ممنوع می‌باشد، و متخلف طبق احکام قانون مجازات می‌گردد.

نوجوانانی که پانزده سالگی را تکمیل نموده باشند، مطابق احکام قانون به حیث کار آموز استخدام شده می‌توانند.^۱ کنوانسیون بین المللی در مورد حمایت از حقوق طفل بیان می‌دارد که دولت‌ها این حق را به رسمیت می‌شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشوند، همچنان دولت‌ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می‌برند.^۲

بنا به تحلیل فوق، کود جزا در ماده ۶۱۳، اعمالی را که اکثراً باعث صدمه جسمی یا روانی بر اطفال می‌گردد، جرم شمرده و برای مرتکب آن جزا تعیین نموده است.

ماده ۶۱۳ کود جزا، در مورد استخدام اطفال در کارهای فزیک، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی، چنین صراحت دارد:

^۱ ماده ۶۳ قانون حمایت از طفل.

^۲ ماده ۳۲ کنوانسیون حمایت از حقوق طفل.

«شخصی که طفل را در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت، زیر زمینی، شبانه یا اضافه کاری استخدام نماید یا طفل را بمنظور کار به مسافرت مجبور سازد به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»

برای توضیح این جرم نیاز به شرح موارد زیر است:

گفتار اول: عناصر تشکیل دهنده جرم استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی:

جرم استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می‌باشد، عنصر قانونی جرم مذکور را ماده ۶۱۳ کود جزا تشکیل می‌دهد، عنصر مادی و عنصر معنوی آن نیاز به شرح زیر دارد:

مطلب اول: عنصر مادی:

اجزای عنصر مادی جرم مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا که باید توضیح داده شوند عبارت اند از: رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم و نتیجه جرم.

الف) رفتار جرمی: رفتار جرمی مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا عبارت است از استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت، زیر زمینی، شبانه، اضافه کاری و یا مجبور ساختن طفل به مسافرت بمنظور کار می‌باشد. قانون‌گذار رفتار جرمی جرم استخدام طفل در کار را از دو ناحیه قابل مجازات می‌داند:

اول: از ناحیه اینکه کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت، زیرزمینی، شبانه و اضافه کاری، مناسب حال طفل نمی‌باشد بلکه اطفال در صورتی می‌توانند کار کنند که کار، خفیف و مناسب حال شان باشد. قانون کار در این زمینه چنین صراحت دارد: «استخدام کار زنان و نوجوانان بکارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی جواز ندارد.^۱» و نیز در ماده دیگر در رابطه به توظیف طفل بالاتر از ۱۴ سال چنین بیان می‌دارد: «توظیف نوجوانان دارایی سن کمتر از (۱۸) سال در کارهای مضر صحت که خطر عدم رشد فیزیکی یا معلولیت در آن متصور باشد ممنوع است.^۲» این قانون اداره را مکلف ساخته است که طبق نظر مراجع صحتی، توانایی فیزیکی و چگونگی حالت صحتی نوجوان را تشخیص و تثبیت نموده، شغل و وظیفه وی را تعیین نماید.

دوم: از ناحیه سن و سال طفل: به این معنی که قانون اطفال تحت سن ۱۴ سال را از هر نوع کار ممنوع نموده است، خواه کار ثقیل باشد یا خفیف. مطابق قانون کار، در مورد اطفالی که بالاتر از سن ۱۴ سال باشند چنین

^۱ ماده ۱۲۰ قانون کار.

^۲ همان، فقره ۴ ماده ۱۳.

صراحت دارد: نوجوان کارکنی است که سن (۱۴) سالگی را تکمیل و (۱۸) سالگی را تکمیل نکرده باشد^۱. این قانون برای کارکنان در عرصه کارهای خفیفه اکمال سن پانزده سالگی و برای کار آموزان اکمال سن چهارده سالگی شرط گذاشته است^۲. در حالی که قانون حمایت از حقوق طفل اکمال سن پانزده سالگی را برای استخدام کار آموز تعیین نموده است و چنین تصریح می کند: «نوجوانانی که پانزده سالگی را تکمیل نموده باشند، مطابق احکام قانون به حیث کار آموز استخدام شده می توانند^۳.

بنابراین، استخدام اطفال بالاتر از ۱۴ سال به حکم قانون جواز داشته اما باید نوعیت کار شان مطابق توانایی فیزیکی و حالت روانی شان بوده و شامل مواردی نباشد که در ماده ۶۱۳ کود جزا تذکر داده شده است.

اجبار طفل به مسافرت به منظور کار، یکی دیگر از رفتارهای جرمی مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا است، خواه این کار خفیف باشد یا ثقیل.

ب) شخصیت مرتکب: جرم مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا، توسط هر شخصی ارتکاب یافته می تواند و وجود وصف خاصی برای مرتکب آن شرط دانسته نشده است، و کلمه "شخصی که" یک کلمه مطلق است و تمام اشخاص را شامل می شود.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا، اطفال اند. پس اگر رفتار جرمی مندرج ماده مذکور بر اشخاص بالغ واقع گردد، عمل مرتکب، وصف جرمی مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا را نخواهد داشت.

د) نتیجه جرمی: جرم استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی، از جرایم مطلق است، یعنی تحقق نتیجه، شرط تکمیل این جرم نیست، بلکه این جرم به محض استخدام طفل ارتکاب می یابد، و شرط نیست که از طفل استحصال وظیفه شود یا کار به صحت او ضرر برساند.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

جرم استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی جرم عمدی است. بنابراین لازم است مرتکب، رفتار جرمی مندرج ماده ۶۱۳ را با علم و اراده مرتکب شده باشد، یعنی باید بداند که مجنی علیه، طفل

^۱ همان، فقره ۱ ماده ۱۲۷.

^۲ همان، ماده ۱۳.

^۳ ماده ۶۳ قانون حمایت از اطفال.

است. و در صورتی که شخص مرتکب به طفل بودن مجنی علیه علم نداشته باشد، علم او وصف جرمی مندرج ماده ۶۱۳ کود جزا را ندارد.

گفتار دوم: جزای جرم استخدام طفل در کارهای فزیکمی، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی.

طبق ماده ۶۱۳ کود جزا، جرم استخدام طفل در کارهای فزیکمی، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی از جمله جرایم قباحت است و جزای آن جزای نقدی ده هزار الی سی هزار افغانی پیش‌بینی شده است.

مبحث ششم: جرم مکلف ساختن طفل به ادای شهادت:

همان طوریکه شهادت مطابق ماده ۱۹ قانون اجراءات جزایی از جمله ادله اثباتیه جرم است، و هر شخص می‌تواند بخاطر رسانیدن حق به ذی‌حق اش در پیشگاه محکمه ادای شهادت نموده و مسئولیت شرعی و حقوقی خویش را اداء نماید.

اما مجبور ساختن یک شخص به انجام کاری امر معقول نبوده و نتایج مرتبه بر آن اکثراً مورد سوال می‌باشد، چه رسد که این امر مربوط به ادای شهادت و یا اقرار نزد محکمه، و بالاخص مجبور نمودن یک طفل به چنین کاری باشد. این امر ممکن است صدمه بزرگ روحی به طفل وارد نماید، از این جهت قانون‌گذار این عمل را جرم شمرده و به مرتکب آن جزا تعیین نموده است تا اطفال از صدمات روانی ناشی از شهادت و یا اقرار به جبر، مصون باشند. ماده ۶۱۴ کود جزا در این زمینه چنین صراحت دارد: «شخصی که طفل را به ادای شهادت یا اقرار مجبور سازد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»

آیا عنوان ماده با متن هم‌خوانی دارد یا خیر؟

عنوان ماده ۶۱۴ کود جزا "منع مکلفیت طفل به ادای شهادت" با متن آن هم‌خوانی نداشته زیرا متن ماده از اجبار طفل به ادای شهادت و یا اقرار صراحت دارد، بناء بهتر است عنوان ماده اصلاح گردد تا با متن آن هم‌خوانی پیدا کند.

گفتار اول: شرح مفردات:

شهادت: در لغت بمعنی خبر قاطع و در اصطلاح فقهی: عبارت است از خبر دادن شخص صادق برای اثبات حق بلفظ شهادت در مجلس قضاء.^۱ و در اصطلاح قانونی در بخش جزایی، عبارت از اظهاراتی است که شخص در

^۱ الفقه الإسلامی وأدلته، ج۸، فصل فصل أدلة إثبات الدعوی.

جریان بررسی قضیه، آنچه را در خصوص واقعه مورد بحث با دیدن یا شنیدن درک نموده است در پیشگاه محکمه باصلاحیت با ادای سوگند بیان نماید. نوشته و اشاره در مورد گنگ در حکم بیان می‌باشد.

اقرار: در لغت به معنی اثبات، و در اصطلاح فقهی عبارت است از خبر به ثبوت حق غیر بالای خود.^۱ و در اصطلاح قانونی در بخش جزایی، اعتراف به ارتکاب جرم است، بدون اکراه با رضایت کامل و درحالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت.^۲

گفتار دوم: مفهوم تکلیف طفل به ادای شهادت:

آیا شهادت حق است یا تکلیف؟

از دیدگاه فقه اسلامی: حکم تحمل شهادت فرض کفائی است، زیرا اگر تمام اشخاص از تحمل شهادت شانه خالی کنند حقوق مردم ضایع می‌شود، اما ادای شهادت بعد از تحمل آن فرض عین است و شهود ملکف به ادای شهادت بوده و در صورت درخواست مدعی من حیث شهود، کتمان شهادت جواز ندارد.^۳

از دیدگاه قانون: مطابق قانون اجراءات جزایی شاهد مکلف به ادای شهادت است و در صورت عدم حضور خارنوالی و محکمه می‌توانند دستور جلب و احضار شهود را برای استماع شهادت شان صادر نمایند. و حتی در صورتی که بدون عذر موجه، شاهد در جلسه قضایی حاضر نشود محکمه می‌تواند شاهد را به پرداخت جریمه نقدی مکلف سازد.

(۱) خارنوالی و محکمه می‌توانند شهودی را که استماع اظهارات یا شهادت آنها در جریان تحقیق و محاکمه ضروری باشد، با رعایت احکام مندرج (فصل چهارم باب دوم این قانون) جلب و احضار نمایند.

(۲) هرگاه شاهد در جلسه قضایی حاضر نگردد و عدم حضور خود را توجیه کرده نتواند و یا محلی را که در آنجا مورد استجواب قرار می‌گیرد، بدون اجازه یا دلیل موجه ترک کند، حسب احوال به جریمه نقدی که مبلغ آن در مورد قباحت از (۲۰۰۰) هزار افغانی، و در مورد جنحه از (۵۰۰۰) هزار افغانی، و در مورد جنایت از (۱۰۰۰۰) هزار افغانی بیشتر نباشد، از طرف محکمه محکوم شده می‌تواند.^۴

^۱ همانز

^۲ اجراءات جزایی ۱۳۹۳

^۳ الفقه الإسلامی وأدلته، ج ۸، فصل فصل أدلة إثبات الدعوی.

^۴ ماده ۲۸ اجراءات جزایی.

آیا طفل مکلف به ادای شهادت است یا خیر؟

قانون اجراءات جزایی در ماده ۳۹ چنین بیان می‌دارد: طفلی که سن چهارده سالگی را تکمیل نکرده، ولی توانائی در وقایع و کیفیت وقوع حوادث را داشته باشد، اظهارت وی بدون توجیه سوگند، صرف به منظور معلومات مزید در حضور ولی یا ممثل قانونی وی استماع می‌گردد.

ماده متذکره از اطفال نام برده که هنوز سن چهارده سالگی را تکمیل نکرده اند اما در مورد اطفالی که سن قانونی آنها بیشتر از چهارده سال باشد چیزی را بیان نکرده است و این سکوت قانون‌گذار به معنای این است که شهادت طفل تا سن چهارده سالگی من حیث معلومات مزید وقرینه، از جانب محکمه قابل سمع است، اما بیش از سن چهارده سالگی در مسائل جزایی شامل مسئولیت ادای شهادت گردیده و محکمه می‌تواند مانند اشخاص بالغ شهادت آنها را استماع نماید، زیرا اطفال در این سن می‌توانند وقایع جنایی را درک نموده و مشاهدات خود را به محکمه به صورت درست و دقیق ابراز نمایند.

گفتار سوم: عناصر تشکیل دهنده جرم مکلف ساختن طفل به ادای شهادت:

جرم مجبور ساختن طفل به ادای شهادت و اقرار، دارای عنصر قانونی، مادی و معنوی است. عنصر قانونی آنرا ماده ۶۱۴ کود جزا تشکیل می‌دهد اما عنصر مادی و معنوی آن در زیر شرح می‌شود.

مطلب اول: عنصر مادی:

عنصر مادی جرم

عنصر مادی جرم مجبور ساختن طفل به ادای شهادت یا اقرار (مندرج ماده ۶۱۴ کود جزا) شامل: رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم، نتیجه جرمی و رابطه سببیت می‌باشد که توضیح آنها قرار ذیل است:

الف) رفتار جرمی: عمل مادی جرم می‌تواند صورت مثبت یا منفی داشته باشد، که صورت مثبت آنرا جرایم ارتكابی و صورت منفی آنرا جرایم امتناعی می‌نامند.^۱ اکثریت جرایم با انجام فعل مادی مثبت تحقق می‌یابند. در این موارد رفتار جرمی عبارت است از اقدام به امری که قوانین جزایی از آن نهی کرده است.^۲

^۱ دانش حفیظ، حقوق جزای عمومی، ص ۱۷۴.

^۲ صدر توحید خانه حقوق جزای عمومی ص ۵۰.

جرم مجبور نمودن طفل به ادای شهادت یا اقرار از نوع جرایم ارتكابی از که با فعل مثبت انجام می‌شود. رفتار مادی در این جرم، عبارت از مجبور نمودن طفل به ادای شهادت یا اقرار است. عبارت "ادای شهادت یا اقرار" بصورت عام بکار رفته است، بناء شامل قضایای مدنی، جزایی، تجارتی، احوال شخصیه و غیره می‌شود.

ب) شخصیت مرتکب: نظر به صراحت ماده ۶۱۴ کود جزا، جرم مجبور نمودن طفل به ادای شهادت یا اقرار توسط هر شخصی ارتكاب یافته می‌تواند، چون ماده مذکور شخصیت مرتکب را به نوع خاصی از اشخاص مقید نکرده بلکه آنرا با استفاده از کلمه "شخصی که" مطلق گذاشته است. بنابراین، شخص شامل پدر، برادر، مادر، اقارب و غیره می‌گردد.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم مندرج ماده ۶۱۴ کود جزا، طفل است. در صورتی که طفل، به ادای شهادت یا اقرار مجبور گردد، عمل مرتکب، وصف جرمی ماده ۶۱۴ کود جزا را دارد، اما اگر مرتکب، شخص بالغ را مجبور به ادای شهادت یا اقرار نماید، مسئولیت جزایی او تابع حکم ماده ۶۱۴ کود جزا، نمی‌باشد.

پرسش: مجبور ساختن شخص بزرگ سال به ادای شهادت یا اقرار چه حکم دارد؟

د) نتیجه جرمی: منظور از نتیجه جرم، تأثیر پیش‌بینی شده در قانون است که در اثر رفتار عمل جرمی (فعل یا ترک فعل) به وجود می‌آید. برای تحقق جرم اجبار طفل به ادای شهادت یا اقرار لازم است که مرتکب عملاً بمنظور ادای شهادت یا اقرار دست به اجبار طفل زده باشد زیرا جرم متذکره از جرایم مقید به نتیجه است، در صورت عدم تحقق نتیجه، جرم ناتکمیل می‌ماند و عمل مرتکب شروع به جرم پنداشته می‌شود.

ه) رابطه سببیت: یکی از مباحثی که تقریباً در اکثر وقایع حقوقی مطرح می‌شود و نقش سرنوشت سازی دارد، بحث تشخیص رابطه سببیت است به این معنی است که باید مشخص گردد که نتیجه جرمی ناشی از کدام فعل بوده است، و کدام عامل باعث احداث نتیجه شده است. وجود رابطه سببیت در ماده ۶۱۴ کود جزا در صورتی تحقق می‌یابد که اجبار طفل به ادای شهادت یا اقرار در نتیجه عمل مرتکب صورت گرفته باشد.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

علم و آگاهی اجزای عنصر معنوی جرم اجبار طفل به ادای شهادت یا اقرار است. به این توضیح که مرتکب باید علم داشته باشد که مجنی علیه یک طفل است و او را به ادای شهادت یا اقرار عمداً مجبور می‌نماید. و برای تحقق این جرم لازم است که مرتکب، فعل را به اراده خود انجام داده باشد. برای عمدی شمردن این جرم فقط ارادی بودن فعل کفایت نمی‌کند بلکه مرتکب جرم باید اراده احداث نتیجه را نیز داشته باشد که عبارت از اجبار طفل به ادای

شهادت یا اقرار است. هرگاه طفل به خواست و اراده خودش به محکمه حاضر و اظهارات خویش را در حضور هیئت قضایی ارایه نماید، این حالت شامل حکم ماده ۶۱۴ کود جزا نیست.

گفتار چهارم: جزای جرم مکلف ساختن طفل به ادای شهادت:

در ماده ۶۱۴ کود جزا دو نوع جزا برای مرتکب جرم پیش‌بینی شده است، حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار الی شصت هزار افغانی. یعنی قاضی نسبت به حالات قضیه جرمی در تعیین جزا (جزای حبس یا جزای نقدی) اختیار دارد، اما در عین حال نمی‌تواند به هر دو جزا حکم کند، زیرا در عبارت قانون حرف "یا" به کار رفته است.

مبحث هفتم: جرم عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی:

حفاظت طفل بی سرپرست یکی از حقوق طفل است که در قوانین داخلی و بین‌المللی تضمین گردیده است. چنانچه قانون حمایت از حقوق طفل بیان می‌دارد: «طفل مطابق احکام قانون دارای حق حضانت، رضاعت، نفقه و حق برخورداری از ولایت و وصایت می‌باشد»^۱. به این اساس قانون مذکور فصل خاصی را تحت عنوان سرپرستی و حمایت طفل قرار داده و دولت را مکلف به تحت‌حمایت و سرپرستی قرار دادن اطفال بی سرپرست نموده است، و قانون در این زمینه چنین صراحت دارد: (۱) هرگاه طفلی که به صورت موقت یا دایمی از محیط خانواده اش جدا گردیده یا بودن وی با عضو یا اعضای خانواده با مصالح علیای طفل در تضاد باشد، ادارات دولتی ذیربط مکلف اند وی را مورد حمایت و سرپرستی قرار دهند. (۲) اشخاص و ادارات دولتی ذیربط مکلف اند، طفل مندرج فقره (۱) این ماده را طوری تحت حمایت، مراقبت و سرپرستی قرار دهند که جاگزین حمایت و مراقبت والدین وی شده بتواند. کنوانسیون بین‌المللی حقوق طفل که حامی حقوق اطفال در سطح کشورهای جهان می‌باشد نیز معضله اطفال بی سرپرست را خطر دانسته و دولت‌های عضو را در زمینه مکلف به حمایت و کمک‌های ویژه نموده است.^۲

حضانت و حفاظت طفل بی سرپرست از یک طرف به تربیه، نگهداری طفل مرتبط است و از طرف دیگر به امن و نظم جامعه ارتباط دارد؛ زیرا بزرگ شدن یک طفل بی سرپرست توسط یک شخص که در حفاظت و نگهداری وی سعی همه جانبه نمی‌نماید، باعث خواهد گردید که طفل در آینده دارای شخصیت سالم و مفید نبوده و ممکن به جامعه مضر و خطرناک واقع گردد. از همین جهت است که قانون مدنی شرایط مشخص را برای کسی که مسئولیت حضانت طفل را به عهده می‌گیرد بیان داشته و چنین تصریح می‌کند: زنی که حضانت طفل را به عهده می‌گیرد باید، عاقله، بالغه و امینه بوده که خوف ضیاع طفل نسبت عدم واریسی وی متصور نباشد و توان حفاظت و پرورش طفل

^۱ ماده ۲۴ قانون حمایت از طفل.

^۲ ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق طفل.

را داشته باشد^۱. اما اشخاصی که شرایط اهلیت حضانت و حفاظت طفل را نداشته باشند در آن حالت حفاظت و پرورش طفل به شخصی دیگری که چنین اهلیت را داشته باشد واگذار می‌گردد^۲. بنابراین وقتی محکمه ذی صلاح تشخیص دهد که حضانت یا حفاظت یک طفل به یک شخص دیگر انتقال نماید، عدم تسلیمی طفل از یک طرف ترمرد از حکم محکمه ذیصلاح به حساب می‌آید و از طرف دیگر آینده طفل را به خطر مواجه خواهد کرد که در نتیجه تأثیر منفی بالای امنیت افراد جامعه خواهد داشت. ازین جهت قانون‌گذار این عمل را جرم شمرده و برای مرتکب آن جزا تعیین نموده است.

ماده ۶۱۵ کود جزا، در زمینه چنین صراحت دارد:

(۱) شخصی که متکفل طفلی بوده و بعد از مطالبه شخص دیگری که به اساس قرار یا حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او انتقال یافته، طفل را به وی تسلیم نکند، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد. گر چه شخص متکفل یکی از والدین یا جدین طفل باشد.

(۲) هرگاه یکی از والدین یا جدین اولاد صغیر یا نواسه خود را خود او یا توسط دیگری از شخصی که به حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او سپرده شده، بگیرد به جزای مندرج فقره (۱) این ماده محکوم می‌گردد، گر چه بدون حيله و اکراه باشد.

برای توضیح جرم مندرج ماده ۶۱۵ کود جزا نیاز به شرح موارد زیر است:

گفتار اول: مفهوم اصطلاحات مندرج ماده ۶۱۵ کود جزا:

سرپرست قانونی طفل: اصطلاح سرپرستی طفل عبارت از تعهدی است که به منظور نگهداری، تعلیم، تربیت و تأمین مایحتاج مادی و معنوی طفل یتیم و بی‌سرپرست مطابق احکام این قانون صورت می‌گیرد^۳.

حضانت: در لغت به معنای پرستاری از کودک و دایگی است^۴. و در اصطلاح پروردن طفل است به وسیله والدین و اقارب او در حدود احکام قوانین مربوطه. حضانت هم حق است و هم تکلیف^۵. قانون مدنی، حضانت را چنین

^۱ ماده ۲۳۸ قانون مدنی.

^۲ ماده ۲۴۱ قانون مدنی.

^۳ فقره ۱ ماده ۳ قانون سرپرستی اطفال.

^۴ فرهنگ فارسی عمید.

^۵ ترمینولوژی حقوق ص، ۲۸۹.

تعریف کرده است: حضانت عبارت از حفاظت و پرورش طفل است در مدتی که طفل به حفاظت و پرورش زن محتاج باشد.^۱

گفتار دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی:

جرم عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی، دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می‌باشد. عنصر قانونی آن را ماده ۶۱۵ تشکیل می‌دهد، عنصر مادی و عنصر معنوی آن نیاز به شرح زیر دارد.

مطلب اول: عنصر مادی:

اجزای عنصر مادی جرم عدم تسلیم طفل به سرپرست قانونی وی، عبارت از رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم، نتیجه جرمی و رابطه سببیت می‌باشد.

الف) رفتار جرمی: در در فقره‌های (۱) و (۲) ماده فوق‌الذکر دو نوع رفتار جرمی ذکر شده است:

یک: تسلیم نکردن طفل به سرپرست قانونی وی که به حکم محکمه به حضانت و یا حفاظت آن تعیین گردیده باشد.

دو: گرفتن طفل به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم از سرپرست قانونی وی که به حکم محکمه، حضانت و حفاظت طفل به او سپرده شده باشد.

قانون‌گذار در فقره (۱) ماده ۶۱۵ کود جزا، عملی را جرم پنداشته که شخص ابتداء متکفل طفلی بوده اما نسبت به عدم توانایی پرورش، حفاظت و پرستاری از طفل، محکمه شخص دیگری را جایگزین وی نموده است که در این حالت متکفل قبلی باید طفل را به سرپرست قانونی فعلی وی تسلیم نماید، و در صورت عدم تسلیم دهی وی، مرتکب جرم پنداشته شده و مجازات می‌گردد.

در فقره (۲) ماده ۶۱۵ کود جزا، قضیه طوری است که محکمه در آغاز طفلی را نسبت به عدم اهلیت پرورش، حفاظت و پرستاری والدین و یا جدین وی از نزد آنها گرفته و به شخص دیگری که از وی حفاظت و پرستاری درست نماید، تسلیم نموده است، در این حالت والدین و یا جدین، طفل را دو باره از نزد سرپرست قانونی فعلی، پس گرفته‌اند، خواه این عمل والدین و جدین بصورت مستقیم صورت گرفته باشد که خود شان طفل را از سرپرست قانونی وی گرفته باشند یا بشکل غیر مستقیم که شخص دیگری را نزد سرپرست قانونی طفل فرستاده و از وی خواسته

^۱ قانون مدنی ماده ۲۳۶.

باشند که طفل را به آنها تسلیم نماید. در هر دو صورت قانون‌گذار بخاطر حمایت طفل، این عمل آنها را جرم پنداشته و قابل مجازات میداند.

ج) شخصیت مرتکب: در فقره (۱) ماده ۶۱۵ کود جزا، شخصیت مرتکب عبارت از شخصی است که مسئولیت کفالت طفل را به عهده دارد، متکفل طفل می‌تواند والدین و یا جدین باشد و یا هم شخص دیگری. و در فقره (۲) این ماده، شخصیت مرتکب عبارت از والدین و یا جدین طفل است که رفتار جرمی گرفتن طفل را بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از نزد سرپرست قانونی وی انجام می‌دهند.

سوال: هرگاه اشخاص دیگری خارج از متکفل طفل و یا والدین و جدین او، طفل را از سرپرست قانونی وی بدون اجازه آن اخذ نمایند چه حکم دارد، با استدلال بیان کنید؟

د) موضوع جرم: موضوع جرم یعنی آنچه جرم روی آن واقع می‌شود، در فقرات (۱) و (۲) ماده ۶۱۵ کود جزا، طفل است.

ه) نتیجه جرمی: جرم مندرج ماده ۶۱۵ کود جزا شامل دونوع رفتار است اولی آن بدون نتیجه بوده و دومی دارای نتیجه می‌باشد.

رفتار اول: رفتار اولی که عبارت است از عدم تسلیم طفل به سرپرست قانونی وی، از جرایم مطلق است. زیرا به مجرد امتناع از تسلیمی طفل، جرم اتفاق می‌افتد و حالت شروع به جرم قابل تصور نیست.

رفتار دوم: رفتار دومی عبارت از اخذ طفل از سرپرست قانونی وی توسط والدین و یا جدین می‌باشد، و از جرایم مقید به نتیجه است. زیرا نتیجه جرمی در جرم مندرج فقره (۲) ماده ۶۱۵ کود جزا، عبارت از گرفتن طفل از سرپرست قانونی وی است، اگر نتیجه بطور کامل صورت بگیرد، جرم تکمیل می‌گردد و اگر عمل آغاز شده باشد اما در مسیر اجرا، متوقف و یا خنثی گردیده و نتیجه واقع نشده باشد، عمل مرتکب شروع به جرم محسوب می‌شود.

و) رابطه سببیت: جرم مندرج فقره (۱) ماده ۶۱۵ که از جرایم مطلق است، وجود رابطه سببیت بین عمل و نتیجه، قابل بحث نیست اما در فقره (۲) این ماده که از جرایم مقید به نتیجه است وجود رابطه سببیت بین عمل و نتیجه، حتمی است، بنابراین اخذ طفل از سرپرست قانونی وی باید در اثر فعل مستقیم یا غیر مستقیم والدین یا جدین صورت گرفته باشد تا مسئولیت جرمی را به بار آورد.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

جرم مندرج ماده ۶۱۵ کود جزا از جرایم عمدی بوده که در آن قصد جرمی، علم و آگاهی به آن حتمی بوده و لازم است مرتکب جرم با علم و اراده، رفتار مندرج این ماده را انجام داده باشد.

در فقره (۱)، مرتکب باید بداند که قرار و یا حکم محکمه ذیصلاح در رابطه به سپردن حضانت یا حفاظت طفل، به شخص دیگری وجود داشته، و عمداً طفل را به آن شخص بعد از مطالبه وی تسلیم ننماید.

و در فقره (۲)، والدین یا جدین، علم داشته باشند به اینکه طفل به اساس حکم محکمه به سرپرستی قانونی شخصی دیگری سپرده شده و سپس آنها طفل را عمداً از حضانت و یا حفاظت آن اخذ می‌نمایند. و در صورتی که در ارتکاب رفتار جرمی فقرات ماده متذکره قصد جرمی علم و آگاهی به آن وجود نداشته باشد مسئولیت جرمی را نیز بار نمی‌آورد. مثلاً: هرگاه والدین بدون داشتن علم به قرار و یا حکم محکمه مبنی بر حضانت و پرورش طفل صغیر آنها به سرپرستی شخصی دیگری، طفل خود را از نزد وی بگیرند، و یا اینکه سرپرست قانونی طفل، از والدین مطالبه تسلیمی طفل شان را نماید و والدین از تصمیم محکمه آگاه نبوده و از تسلیمی طفل خودداری کنند، در آن حالت چون عمدیت موجود نبوده عمل شان جرم پنداشته نمی‌شود.

گفتار سوم: جزای جرم عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی:

شخصی که مرتکب جرایم مندرج ماده ۶۱۵ کود جزا، می‌گردد، قانون‌گذار دو نوع جزا را از جزاهای اصلی برایش پیش‌بینی نموده است. حسب احوال به حبس قصیر و یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد. و محکمه در تعیین یکی از این دو نوع جزا اختیار دارد و در عین حال نمی‌تواند به هر دو جزا حکم نماید.

مبحث هشتم: جرم به خطر مواجه نمودن طفل:

اطفال در تناسب به بزرگسالان به لحاظ ضعف فیزیکی و ذهنی شان، بیشتر در معرض خطر و تهدید قرار دارند و از هر ناحیه ممکن است مورد آسیب‌های جسمی روحی و فیزیکی قرار گیرند، و در اثر آنها حیات خود را از دست بدهند. از همان جهت است که حفظ حیات طفل مورد حمایت و توجه خاص قوانین داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. قانون اساسی افغانستان بصورت عام زندگی انسان را از ولادت آغاز الی ختم حیات مورد حمایت قرار داده و آنرا حق خدا داد و طبیعی انسان دانسته است. و در زمینه چنین بیان می‌دارد: «زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد»^۱. قانون حمایت از حقوق طفل

^۱ ماده ۲۳ قانون اساسی.

به تأسی از قانون اساسی، حق حیات و رشد جسمی و فکری طفل را از جمله حقوق ذاتی دانسته و دولت را مکلف به حفاظت، بقاء و رشد جسمی و فکری اطفال نموده است.^۱

در سطح بین المللی کنوانسیون حمایت از حقوق طفل نیز حق زندگی طفل را یکی از حقوق مادرزادی وی دانسته و دولت‌های عضو را به حمایت از حیات و رشد سالم طفل و شناخت رسمی این حق، مکلف نموده است. بنابراین، قانون‌گذار در فقره یک ماده ۶۱۶ کود جزا به خاطر حفظ و حمایت از زندگی طفل و تأمین مصونیت بیشتر او، به خطر مواجه نمودن حیات طفل را چه به صورت مستقیم یا توسط شخصی دیگری باشد، جرم پنداشته و مرتکب آنرا قابل مجازات می‌داند.

فقره (۲) ماده ۶۱۶ کود جزا، اجبار طفل به گدایی را عمل جرمی دانسته و برای مرتکب آن جزا پیش‌بینی نموده است، مشروط بر اینکه شامل حالات مندرج فصل قاچاق انسان نباشد، اما در صورتی که هدف مرتکب از اجبار طفل به گدایی، بهره‌کشی و کسب منفعت از مجنی علیه باشد در آن صورت وصف جرم قاچاق انسان مطابق ماده ۵۱۰ کود جزا، بالایش قابل تطبیق خواهد بود.

ماده ۶۱۶ کود جزا به خطر مواجه نمودن حیات طفل و اجبار آن به گدایی را چنین تصریح کرده است:

(۱) شخصی که خود وی یا توسط شخص دیگری حیات طفل را به خطر مواجه گرداند، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

(۲) شخصی که طفل را به گدایی مجبور سازد در غیر از احوال فصل قاچاق انسان مندرج این قانون، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه اعمال مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده توسط ممثل قانونی طفل ارتکاب گردد، به حد اکثر مجازات مندرج این ماده، محکوم می‌گردد.

ممثل قانونی: ممثل قانونی شامل والدین، ولی، وصی، سرپرست قانونی، اقارب، قیم، یا وکیل طفل میباشد.^۲

برای توضیح جرم مندرج ماده ۶۱۶ کود جزا نیاز به شرح موارد زیر است:

^۱ ماده ۷ قانون حمایت از حقوق طفل.

^۲ جزء ۱۰ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق طفل.

گفتار اول: عناصر تشکیل دهنده جرم به خطر مواجه نمودن طفل:

جرم به خطر مواجه نمودن طفل، دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می‌باشد. عنصر قانونی آنرا ماده ۶۱۶ کود جزا، تشکیل می‌دهد، عنصر مادی و عنصر معنوی آن قرار ذیل شرح می‌شود:

مطلب اول: عنصر مادی:

اجزای عنصر مادی این جرم عبارت از رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم، نتیجه جرمی و رابطه سببیت می‌باشد.

الف) رفتار جرمی: قانون گذار برای جرم مندرج ماده ۶۱۶ کود جزا، دو نوع رفتار جرمی را پیش‌بینی کرده است که عبارت اند از:

۱. به خطر مواجه نمودن حیات طفل.

۲. مجبور ساختن طفل به گدایی، مشروط بر اینکه شامل مصداق حالات جرم قاچاق انسان نباشد.

عبارت "به خطر مواجه نمودن" مفهوم وسیع دارد و نظر به اوضاع و شرایط محیطی و سن و سال طفل می‌تواند مصداق مختلف داشته باشد. به طور مثال: رها کردن یک طفل ۱۰ ساله در شام تاریک در یک باغ در یک قریه، مصداق به خطر مواجه نمودن حیات طفل می‌باشد، زیرا خطر موجودیت حیوانات درنده و یا ترس و وحشتی که باعث صدمه عمیق روحی به طفل گردد، موجود است. در عین حال اگر طفل ۱۰ ساله در شهر یا بازار محله در شام تاریک رها گردد، نظر به امکانات شهری و حضور مردم، امکانات خطر برای طفل اندک است و شاید مصداقی برای عبارت "به خطر مواجه نمودن" نباشد. در عین زمان حالت اول در مورد طفل ۱۷ ساله شاید صادق نباشد زیرا طفل ۱۷ ساله در چنین مثل یک شخص بالغ می‌تواند از مشکلات ناشی از خطر تنهایی در باغ و در شام تاریک خود را رهایی بخشد.^۱

ب) موضوع جرم: موضوع جرم مندرج ماده ۶۱۶ کود جزا عبارت از، طفل است. یعنی شخص مجنی علیه، طفل است. در شخص بالغ، مجنی علیه جرم مندرج ماده ۶۱۶ کود جزا قرار گیرد، عمل مرتکب وصف جرمی ماده مذکور را نمی‌گیرد.

ج) شخصیت مرتکب: نظر به صراحت فقره‌های (۱) و (۲) ماده ۶۱۶ کود جزا، جرم به خطر مواجه نمودن حیات طفل و یا اجبار او به گدایی توسط هر شخصی ارتکاب یافته می‌تواند، چون ماده مذکور شخصیت مرتکب را به

^۱ شرح کود جزا، نشر بنیاد آسیا، ج ۳، ص ۳۶۱.

نوع خاص مقید نکرده بلکه آنرا با استفاده از کلمه "شخص" مطلق گذاشته است. بنابراین، شامل تمام اشخاص می‌گردد. اما فقره (۳) ماده مذکور شخصیت مرتکب را مقید به ممثل قانونی طفل نموده است. توصیف مرتکب به ممثل قانونی به این معنی نیست که مرتکب جرایم مندرج ماده ۶۱۶، شخصیت ویژه است بلکه جرایم مذکور توسط هر شخصی ارتکاب یافته می‌تواند اما وصف "ممثل قانونی" موجب تشدید مجازات می‌شود.

ه) نتیجه جرمی: نظر به اینکه دونوع رفتار جرمی برای جرم مندرج ماده ۶۱۶ وجود داشت، بناء دو نتیجه جرمی در ماده متذکره قابل پیش‌بینی است:

۱- جرم به خطر مواجه نمودن حیات طفل از جرایم مطلق بوده و مقید به نتیجه نمی‌باشد. به این توضیح که تنها رفتاری که حیات یک طفل را به خطر مواجه سازد، مصداق جرم در فقره (۱) می‌باشد، اگر چه به طفل عملاً آسیبی هم نرسیده باشد.

۲- جرم مجبور نمودن طفل به گدایی از جرایم مقید به نتیجه است، یعنی تا وقتی که طفل عمل گدایی را انجام نداده است اگر چه برای انجام آن اجبار صورت گرفته باشد، این جرم کامل نمی‌گردد و عمل جرمی مرتکب، شروع به جرم پنداشته می‌شود.

و) رابطه سببیت: یعنی رابطه ای که عمل جرمی را با نتیجه وصل می‌کند. بدیهی است که در فقره (۱) ماده ۶۱۶ کود جزا که از جرایم مطلق است، وجود رابطه سببیت ضروری نیست زیرا جرایم مطلق دارای نتیجه نبوده و حصول نتیجه شرط تکمیل جرم نیست. از همین جهت ضرورت به رابطه سببیت بین عمل و نتیجه به وجود آید.

فقره (۲) ماده ۶۱۶ کود جزا از جرایم مقید به نتیجه است، وجود رابطه سببیت بین عمل ارتكابی و نتیجه جرم، ضروری است تا دانسته شود که نتیجه گدایی طفل در اثر اجبار بوده است. و در صورتی که رابطه سببیت بین عمل و نتیجه وجود نداشته باشد، مسئولیت جرمی به بار نمی‌آید.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

عنصر معنوی فقره (۱) ماده ۶۱۶ کود جزا، شامل علم و اراده است. به این معنی که شخص مرتکب باید علم داشته باشد به اینکه حیات طفل را به خطر مواجه می‌سازد و عمداً و به اراده خود این کار را انجام می‌دهد. در صورتی که یک شخص عمل متذکره را طور غیر عمدی انجام دهد، مرتکب جرم نگرندیده و مجازات نمی‌شود، مثلاً شخصی که قرار است اطفال را از مکتب به خانه شان برساند در مسیر راه با یک انفجاری بر می‌خورد و یا در اثر سیل موتر او واژگون می‌شود، و یا اینکه اصلاً خبر نمی‌باشد که حیات طفل به خطر مواجه گردیده است. مثلاً طفل

در داخل تانکر آب که خالی است داخل می‌شود و راننده ازین جریان خبر نیست، موتر را حرکت می‌دهد، سپس به سر و صدای طفل خبر شده و طفل را از تانکر بیرون می‌کند. چون شخص مذکور از اتفاقات رخ داده خبر نبوده و قصد ضرر رساندن به طفل را نداشته است، عمل او شامل حکم این فقره نخواهد شد.

عنصر معنوی فقره (۲) ماده ۶۱۶ کود جزا نیز شامل علم و اراده است، یعنی شخص که عمل جرمی مجبور نمودن طفل به گدایی را مرتکب می‌شود، باید علم و آگاهی به طفل بودن مجنی علیه داشته باشد و این کار را به اراده خود بطور عمدی انجام داده باشد. همچنان علم داشته باشد که رفتار وی باعث می‌شود که طفل مجبور به گدایی گردد و این عمل را از روی عمد و قصد به منظور رسیدن به هدف خاص که همان گدایی کردن طفل است، انجام دهد، بطور مثال: برای طفل عمداً غذا ندهد و یا در زمستان برای او لباس مناسب تهیه نکند و از این طریق با وارد کردن فشار گرسنگی یا سردی هوا، طفل را مجبور به گدایی نماید. این نوع رفتارها شامل حکم فقره مذکور می‌باشد.

گفتار سوم: جزای جرم به خطر مواجه نمودن طفل:

این جرم در کنار جزای اصلی دارای جزای تکمیلی نیز است که ذیلاً ضمن دو مطلب بیان می‌شود.

مطلب اول: جزای اصلی:

مطابق ماده ۶۱۶ کود جزا، جزاهای اصلی مندرج این ماده شامل دو حالت است:

الف) حالت عادی:

۱. در صورتی که جرم به خطر مواجه نمودن طفل ارتکاب یابد، مرتکب به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار الی یکصد و بیست هزار افغانی محکوم می‌گردد.
۲. در صورتی که جرم مجبور نمودن طفل به گدایی ارتکاب یابد، مرتکب به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

ب) حالت مشدده:

هرگاه مرتکب جرایم مندرج فقره‌های (۱) و (۲) ماده ۶۱۵ کود جزا، ممثل قانونی طفل باشد در این صورت حالت مشدده را گرفته، به حد اکثر جزای مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده محکوم می‌گردد.

مطلب دوم: جزای تکمیلی:

مرتکبین جرایم مندرج ماده ۶۱۶ کود جزا علاوه بر جزای اصلی به جزاهای تکمیلی مندرج ماده ۱۷۸ و ۱۷۹ کود جزا نیز محکوم می‌گردند.

مبحث نهم: جرم محروم ساختن طفل از تغذیه:

اطفال برای رشد سالم و تداوم زندگی نیاز به دریافت مرتب غذا و پرستاری که مقتضی حال شان است دارند، زیرا اگر تغذیه یا پرستاری لازم صورت نگیرد ممکن است از لحاظ فکری و جسمی عقب بمانند و به امراض مختلف مصاب گردند و در آینده شخص مثر و مفید به جامعه به بار نیایند.

قانون حمایت از حقوق طفل، تغذیه و پرستاری طفل را از حقوق اساسی طفل دانسته است.^۱ کود جزا، محروم ساختن طفل از تغذیه یا پرستاری که مقتضی حیات وی است را جرم شمرده و برای مرتکب آن جزا تعیین نموده است. ماده ۶۱۷ کود جزا در زمینه چنین صراحت دارد: «شخصی که طفل را از تغذیه یا پرستاری که مقتضی حالت وی است عمداً محروم سازد و در نتیجه حیات طفل به خطر مواجه گردد، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد.»

برای توضیح این جرم نیاز به شرح موارد زیر است:

گفتار اول: عناصر تشکیل دهنده جرم محروم ساختن طفل از تغذیه:

جرم محروم ساختن طفل از تغذیه دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می‌باشد، عنصر قانونی آن را ماده ۶۱۷ کود جزا تشکیل می‌دهد. عنصر مادی و معنوی آن در زیر شرح می‌شود.

مطلب اول: عنصر مادی:

عنصر مادی جرم محروم ساختن طفل از تغذیه شامل رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم، نتیجه جرمی و رابطه سببیت می‌باشد.

الف) رفتار جرمی: قانون‌گذار در جرم مندرج ماده ۶۱۷ کود جزا دو نوع رفتار جرمی پیش‌بینی نموده است:

۱. محروم ساختن طفل از تغذیه.

۲. محروم ساختن طفل از پرستاری.

ب) شخصیت مرتکب: نظر به صراحت ماده مذکور که جرم محروم ساختن طفل را از تغذیه توسط هر شخصی ارتکاب یافته می‌تواند، چون ماده مذکور شخصیت مرتکب را به نوع خاص از اشخاص مقید نکرده است بلکه عبارت "شخصی" عام است که شامل همه اشخاص می‌شود. اطلاق جز توسط قانون تقیید شده نمی‌تواند.

^۱ ماده ۱۲ قانون حمایت از طفل.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم در ماده ۶۱۷ کود جزا، طفل است. به این معنی که در اثر رفتار مادی شخص مرتکب، طفل محل جرم واقع می‌شود.

د) نتیجه جرمی: جرم محروم ساختن طفل از تغذیه از جرایم مقید به نتیجه است. تحقق نتیجه درین جرم شرط حتمی است. ازین جهت است که قانون‌گذار تذکر داده است که در نتیجه عمل مرتکب، حیات طفل به خطر مواجه گردد. بنابراین، اگر شخصی طفلی را از تغذیه یا پرستاری محروم سازد اما در نتیجه این محرومیت، حیات طفل به خطر مواجه نشود، در اینصورت جرم تکمیل نمی‌گردد اما عمل مرتکب (محروم ساختن طفل از تغذیه یا سرپرستی) شروع به جرم پنداشته می‌شود.

ه) رابطه سببیت: لازم است که بین محروم ساختن طفل از تغذیه و به خطر مواجه شدن حیات طفل، رابطه سببیت وجود داشته باشد. یعنی عمل مرتکب، عامل به خطر مواجه شدن حیات طفل باشد.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

همان طوریکه در ماده ۶۱۲ کود جزا صراحتاً تذکر یافته است که طفل را از تغذیه و پرستاری لازم عمداً محروم سازد. این جرم از جرایم عمدی است، و شخص در صورت مرتکب عمل جرمی مندرج ماده مذکور می‌گردد که با علم و اراده عمل جرمی را انجام داده باشد. یعنی شخص باید آگاه باشد که طفل را از تغذیه یا پرستاری محروم می‌کند

برای تحقق این جرم قصد عام کافی است و نیاز به قصد خاص نیست، یعنی شرط نیست که مرتکب علاوه بر محروم ساختن طفل از تغذیه یا سرپرستی، اراده به خطر مواجه ساختن حیات طفل را نیز داشته باشد بلکه در نتیجه این محرومیت، اگر حیات طفل به خطر مواجه شود، جرم تکمیل می‌گردد ولو مرتکب، قصد به خطر انداختن حیات طفل را نداشته باشد.

فعالیت شماره (۲)

سوال مباحثوی:

اگر حیات طفل در نتیجه عدم تغذیه که ناشی از فقر و تنگدستی والدین است به خطر مواجه شود، آیا والدین مرتکب جرم مندرج ماده ۶۱۷ کود جزا پنداشته می‌شوند یا خیر؟ اگر پاسخ تان بلی بود یا نخیر، آنرا تحلیل کنید که چرا بلی گفتید یا چرا نخیر گفتید.

گفتار دوم: جزای جرم محروم ساختن طفل از تغذیه:

برای جرم محروم ساختن طفل از تغذیه علاوه بر جزای اصلی جزای تکمیلی نیز پیش‌بینی گردیده است که در زیر بیان می‌شود:

مطلب اول: جزای اصلی:

مطابق ماده ۶۱۷ کود جزا، برای شخصی که طفل را از تغذیه و پرستاری لازم عمداً محروم نماید. (جزای حبس متوسط تا دو سال) پیش‌بینی گردیده است.

مطلب دوم: جزای تکمیلی:

مرتکب جرم مندرج ماده ۶۱۷ کود جزا، علاوه بر جزای اصلی، به جزای تکمیلی مندرج مواد ۱۷۸ و ۱۷۹ کود جزا نیز محکوم شده می‌تواند. البته حسب لزوم دید قاضی، زیرا محکومیت به جزای های تکمیلی از صلاحیت قاضی است.

مبحث دهم: جرم اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور:

اطفال آینده سازان جامعه هستند، اجبار، تحریک و تشویق اطفال به فسق و فجور، نسل آینده کشور را فاسد می‌سازد، بناء نیاز است تا توجه بیشتر به اطفال شود تا شاهد آینده بهتر برای جامعه باشیم. ازین جهت قانون‌گذار تحریک، تشویق یا مجبور ساختن اطفال به فسق و فجور را جرم پنداشته و به مرتکب آن جزا تعیین نموده است. ماده ۶۱۸ کود جزا، در زمینه چنین صراحت دارد:

(۱) شخصی که طفل را به فجور یا اتخاذ فسق بحدیث حرفه تحریک، تشویق یا مجبور نماید و یا در این مورد تسهیلاتی برای وی فراهم سازد، به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه مرتکب از جمله اقارب مجنی علیه تا درجه سوم باشد و یا از اجرای عمل خود قصد بدست آوردن منفعت را داشته باشد، به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

برای توضیح این جرم، نیاز به شرح موارد زیر است:

گفتار اول: شرح مفردات:

فسق: هرکار زشت، گناه آلود و غیر اخلاقی است.^۱ و به عبارت دیگر، ارتکاب کبیره و اصرار بر صغیره فسق است.^۲ فجور: روی گردانی از حق و انجام دادن اموری برخلاف مروت.^۳ فسق و فجور به جهت نزدیکی معنی در اکثر موارد در کنارهم ذکر میشوند.

اقارب: زوج و زوجه و اصول و فروع آنها برای یکدیگر الی درجه دوم. پدر، مادر و اصول آنها الی درجه دوم. برادر، خواهر، کاکا، ماما، خاله، عمه و فروع آنها الی درجه دوم.^۴

مجنی علیه: شخصی است که از اثر ارتکاب جرم به وی ضرر جسمی، مادی یا معنوی عاید گردیده باشد.^۵

گفتار دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم اجبار، تحریک یا تشویق به فسق و فجور:

جرم اجبار، تحریک یا تشویق به فسق و فجور، دارای عنصر قانونی، مادی و معنوی است. عنصر قانونی آنرا ماده ۶۱۸ تشکیل می‌دهد اما در اینجا فقط روی عنصر مادی و معنوی ضمن دو مطلب بحث می‌کنیم.

مطلب اول: عنصر مادی:

اجزای عنصر مادی جرم اجبار، تحریک یا تشویق به فسق و فجور عبارت از رفتار جرمی، شخصیت مرتکب، موضوع جرم و نتیجه جرمی می‌باشد.

الف) رفتار جرمی: رفتارهای جرمی در این جرم به گونه‌های مختلف پیش‌بینی شده است که عبارت اند از:

۱. تحریک طفل به فسق و فجور.
۲. تشویق طفل به فسق و فجور.
۳. مجبور نمودن طفل به فسق و فجور.
۴. فراهم نمودن تسهیلات برای طفل بخاطر انجام اعمال فسق و فجور.

^۱ فرهنگ فارسی عمید.

^۲ وسیط در ترمینولوژی حقوق ص ۵۳۸.

^۳ لغت نامه دهخدا.

^۴ جز ۱۷ ماده ۴ اجراء جزایی ۱۳۹۳.

^۵ جزء ۱۶ ماده ۴ قانون اجراء جزایی ۱۳۹۳.

اجتماع حالات فوق الذکر شرط تحقق رفتار جرمی مندرج این ماده نیست بلکه رفتار جرمی با ارتکاب یکی از آنها، تحقق می‌باشد.

ب) شخصیت مرتکب: در این جرم شخصیت مرتکب منحصر به فرد مشخص نگردیده است، بلکه عبارت "شخصی که" بصورت عام به کار رفته است. بناء هر شخصی که اعمال مادی این جرم را مرتکب گردد، عمل او تابع حکم این ماده می‌باشد.

ج) موضوع جرم: موضوع جرم چیزی است که جرم روی آن واقع می‌شود. بناء طفل موضوع جرم مذکور را تشکیل می‌دهید. زیرا تمام رفتارهای مادی جرم که در ماده متذکره بیان گردیده است بالای طفل واقع می‌شود. واگر این رفتارها بالای شخص بالغ واقع شود، عمل مرتکب وصف جرمی مندرج ماده ۶۱۸ کود جزا را بخود نمی‌گیرد.

د) نتیجه جرمی: جرم مندرج ماده ۶۱۸ کود جزا، از جرایم مقید به نتیجه نیست بلکه جرم مطلق است، بنابراین جرم مذکور به محض ارتکاب رفتار جرمی (اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور) تکمیل می‌گردد، خواه در اثر این رفتارها، طفل فاسق و فاجر گردد یا خیر.

مطلب دوم: عنصر معنوی:

جرم اجبار، تحریک و تشویق طفل به فسق و فجور از جرایم عمدی است. لذا ایجاب می‌کند که متهم آگاهانه و عامدانه طفل را به فسق و فجور تشویق، تحریک یا مجبور سازد و یا رفتار وی سبب تسهیل فسق و فجور طفل گردد. به این توضیح که اگر شخص مرتکب به طفل بودن مجنی علیه آگاهی نداشته باشد بلکه فکر کند که او شخص بالغ را به فسق و فجور تحریک یا تشویق و یا مجبور می‌گرداند، در این صورت، عمل مرتکب وصف جرمی مندرج ماده ۶۱۸ کود جزا را بخود نمی‌گیرد، اما ممکن است وصف جرمی دیگری داشته باشد.

فعالیت شماره (۳)

سوال مباحثی:

راجع به قضایای زیر مباحثه کنید سپس پاسخ درست را دریابید:

۱- شخصی اعمال فسق و فجور را در حضور جمعی از مردم که در میان آنها اطفال نیز حضور داشتند، به نمایش گذاشت و این نمایش سبب تحریک اطفال به فسق و فجور گردید، در حالی که نمایشگر قصد تحریک را نداشت.

۲- شخصی از طریق رسانه یا صفحات مجازی، فلم‌های تحریک کننده به فسق و فجور را نشر کرد و متیقن بود که علاوه بر بالغان، اطفال نیز آنرا مشاهده می‌کنند.

۳- شخصی از طریق رسانه یا صفحات مجازی، فلم‌های تحریک کننده به فسق و فجور را نشر کرد اما در شروع هر فلم این عبارت را نوشته بود: (مشاهده این فلم توسط اطفال ممنوع است) اما اطفال به این عبارت اعتنا نکردند و فلم‌ها را مشاهده کردند و به سبب آن به فسق و فجور تحریک شدند.

پاسخ‌های شما راجع به هر یک از قضایای فوق چیست؟ پاسخ‌ها را با استدلال بیان کنید؟

گفتار سوم: جزای جرم اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور:

جرم تشویق، تحریک یا اجبار طفل به فسق و فجور، علاوه بر جزاهای اصلی جزای تکمیلی نیز با خود دارد که در زیر بیان می‌شود.

مطلب اول: جزای اصلی:

جزاهای اصلی جرم مندرج ماده ۶۱۸ کود جزا، نظر به نوعیت رفتار جرمی، شدت و خفت آن، پیش‌بینی شده است که ذیلاً بیان می‌شود:

در فقره (۱) ماده مذکور، جزای حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد برای شخصی که طفل را به فسق و فجور تحریک، تشویق، اجبار و یا در مورد آنها تسهیلاتی را فراهم می‌نماید، پیش‌بینی شده است.

در فقره (۲) این ماده، قانون‌گذار جرم را به سبب ارتکاب آن توسط اقارب تا درجه سوم، تشدید نموده و حبس طویل تا ده سال را پیش‌بینی نموده است، همچنان این تشدید شامل شخصی می‌شود که جرم مذکور را به قصد به دست آوردن منفعت انجام داده باشد.

یکی از دلایل تشدید جزا این است که ارتکاب این جرم توسط اقارب سهل بوده و عادات اطفال دوران طفولیت خویش را نزد اقارب خویش سپری می‌کنند. همچنان ارتکاب این جرم به منظور کسب منفعت، اطفال را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد و افراد فرصت طلب از این حالت بیشتر سوء استفاده می‌نمایند.^۱

^۱ شرح کود جزا، نشر بنیاد آسیا، ج ۳، ص ۳۶۵.

مطلب دوم: جزای تکمیلی:

مرتکب جرم مندرج ماده ۶۱۸ کود جزا، علاوه بر جزای اصلی، به جزاهای تکمیلی مندرج مواد ۱۷۸ و ۱۷۹ کود جزا، در تمام احوال حسب لزوم دید محکمه، نیز محکوم شده می تواند.

نتیجه گیری

بعد تحلیل، بحث و بررسی جرایم نقض حقوق اطفال، مندرج مواد ۶۰۹ تا ۶۱۸ کود جزا، به نتایج ذیل دست یافتیم:

۱. قوانین داخلی و بین المللی از حقوق اطفال بالاخص حق تعلیم، حق آموزش، حق دسترسی به خدمات صحتی که از جمله حقوق اساسی آنها می‌شود، حمایت نموده و بر حفظ آنها تأکید می‌دارند.
۲. مطابق قانون اساسی افغانستان دولت مکلف است برای رشد جسمی و ذهنی طفل از طریق آموزش و پرورش و فراهم سازی خدمات صحتی برنامه های منظم را روی دست گرفته و تطبیق نماید.
۳. فصل هفتم قانون حمایت از حقوق اطفال به حق تعلیم و تربیه برای کودکان اختصاص داده شده و در ماده ۴۸ تصریح شده است که اطفال اعم از پسر و دختر مطابق احکام قانون دارای حق مساوی بهره مندی از حق پرورش، آموزش و تعلیم و تربیه می باشند. همچنان فصل چهارم این قانون به مراقبت های صحتی اختصاص داده شده که شامل حق دسترسی طفل به خدمات لازم صحتی، حق تطبیق واکسین و حق داشتن کارت صحتی می‌شود. قانون صحت عامه در ماده ۲۴ و ۲۵ اتخاذ تدابیر صحتی طفل و تأمین شرایط صحتی برای اطفال را از جمله مکلفیت های وزارت صحت عامه دانسته است.
۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۶ چنین تصریح می‌کند: هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. اعلامیه مذکور حق دسترسی به خدمات صحتی و داشتن زنده گی سالم را حق هر فرد دانسته است خصوصاً سلامت جسمی و روحی مادر و طفل را مورد توجه خاص قرار داده است
۵. کنوانسیون حقوق طفل دولت ها را در زمینه تعلیم و آموزش کودکان توصیه می‌کند. ماده ۲۸ این کنوانسیون تصریح می‌کند که دولت ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند. کنوانسیون مذکور در ماده ۲۴ حق دسترسی کودکان به خدمات صحتی قبل از ولادت و بعد از ولادت را مورد توجه خاص قرار داده و دولت های عضو را ملزم به شناخت رسمی این حق نموده است
۶. اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره) نیز بر واجب بودن امر تعلیم و آموزش و تعهداتی که دولت های اسلامی پس از پذیرش این اعلامیه برای تحقق آن بدوش می‌گیرند تأکید ورزیده است.
۷. کود جزای افغانستان نقض حقوق اطفال را در مواد ۶۰۹ تا ۶۱۸ جرم انگاری نموده و برای مرتکبین آن جزا پیش بینی نموده است. این جرایم عبارت اند از:
 - أ. جرم محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحتی.
 - ب. جرم استفاده از طفل در فعالیت سیاسی.

- ج. جرم انتقال یا نگهداری طفل بدون اجازه ممثل قانونی وی.
- د. جرم لت و کوب طفل.
- ه. جرم استخدام طفل در کار های فزیکي، ثقیل، مضر صحت و زیر زمینی.
- و. جرم مکلف ساختن طفل به ادای شهادت.
- ز. جرم عدم تسلیمی طفل به سرپرست قانونی وی.
- ح. جرم به خطر مواجه نمودن طفل.
- ط. جرم محروم ساختن طفل از تغذیه.
- ي. جرم اجبار، تحریک یا تشویق طفل به فسق و فجور.

مآخذ

الف: قوانین و کنوانسیون‌ها

۱. قانون اساسی افغانستان سال ۱۳۸۲.
۲. کود جزای سال ۱۳۹۶.
۳. قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات، منتشره جریده ۱۲۷۵.
۴. قانون اجراءات جزایی سال ۱۳۹۳.
۵. قانون حمایت از حقوق طفل، منتشره جریده رسمی ۱۳۳۴ سال ۱۳۹۷.
۶. قانون قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، منتشره جریده رسمی ۸۴۶ سال ۱۳۸۴.
۷. قانون سپرستی اطفال منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۳۰ سال ۱۳۹۳.
۸. قانون کار، منتشره جریده رسمی ۹۶۶ سال ۱۳۸۷.
۹. قانون مدنی افغانستان سال ۱۳۵۵.
۱۰. قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال، منتشره جریده رسمی ۱۲۸۰ سال ۱۳۹۶.
۱۱. کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق طفل.

ب: کتب

۱۲. دانش حفیظ، حقوق جزای عمومی، انتشارات سیرت، کابل ۱۳۹۳.
۱۳. شرح کود جزا، ط: چاپخانه سعید، ناشر: بنیاد آسیا، سال ۱۳۹۸.
۱۴. توحیدخانه، محمد صدر، رهنمود ماکس پلانک برای حقوق جزای عمومی افغانستان، ط ۲.
۱۵. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۸۵.
۱۶. الزحیلي، وهبة، الفقه الإسلامی و أدلته.
۱۷. قاموس اصطلاحات حقوقی، پوهنځی حقوق پوهنتون کابل.
۱۸. وسيط در ترمینولوژی حقوق.